



# انترناسیونال ۴۳۷

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۷ بهمن، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۲

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه



## پیرامون کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری

مصاحبه با اصغر کریمی

علنیت و شفافیت را بطور عملی و با قدرت مورد تاکید قرار داد و از این نظر میتوان گفت يك نقطه عطف در تاریخ مبارزه سیاسی در ایران بود. کنگره هشتم حزب چه اهمیتی دارد؟ اصغر کریمی: کنگره حزب هر دو

سیاسی ویژه ای دارد. برای مثال کنگره سوم حزب جدا از جنبه های دیگر، به این دلیل که اولین کنگره يك حزب اپوزیسیون بود که علنی برگزار میشود و شرکت در آن برای عموم آزاد بود، ایده

انترناسیونال: اصغر کریمی کنگره هشتم حزب بزودی برگزار میشود. لطفا برای خوانندگان توضیح دهید که آیا برگزاری کنگره صرفا يك امر روتین و اساسنامه ای است یا اهمیت

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری  
نه تحریم اقتصادی، نه جنگ و تهدید جنگی، زنده باد انقلاب علیه جمهوری اسلامی!

منافشه دول غرب و جمهوری اسلامی હતتي بی سابقه یافته است. با افول اسلام سیاسی به محوریت جمهوری اسلامی در پی انقلاب ۸۸ و انقلابات منطقه، غرب میکوشد توازن قوای جدیدی را به رژیم اسلامی تحمیل کند. تحریم خرید نفت، تحریم بانک مرکزی و انسداد روابط جمهوری اسلامی با بازار جهانی و اقتصاد رسمی، به همراه تهدیدهای نظامی و جنگ لفظی و فشارهای دیپلماتیک قرار است رژیم اسلامی را به زانو درآورد و از موضعی ضعیف پای میز مذاکره بکشاند. جمهوری اسلامی در برابر این سیاست غرب بشدت مقاومت میکند و کوتاه آمدن از سیاست ها و شعارهای ضدغربی را معادل از دست رفتن موقعیت منطقه ای خود و ضربه ای خرد کننده بر انسجام ایدئولوژیک- سیاسی و توان سرکوب در مواجهه با مردم ایران میدانند. در این منازعه اپوزیسیون بورژوازی ایران نیز کمابیش به دو بخش تقسیم شده، عمدتا در پشت دول غرب و سیاستهای آن و بعضا، چه صریح و چه ضمنی، در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

## رهبران کارگری شایسته حمایت همه مردمان

ابراهیم مددی، علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، مظفر صالح نیا، شیث امانی، شریف ساعدپناه، شاهرخ زمانی، آیت نیافر، محمد

روزی نیست که جمهوری اسلامی فعالین و رهبران کارگری را مورد حمله قرار ندهد و توطئه ای علیه آنها سازمان ندهد. محمد جراحی، رضا شهابی،

صفحه ۱۱

## ندا و گلشيفته

مهراب از ایران

چه مادرش و نزدیکانش گفته اند ، ازآغاز با چادر و روسری نه تنها میانه ای نداشت بلکه ازآن متنفر بود. ورود فعال ندا به اوج و عروج

این روزها کم کم داریم به سالروز تولد ندا نزدیک می شویم . زنی که ازآغاز محدودیت را برنمی تابد . زنی که بنا برآن

صفحه ۱۲

## صفحات دیگر

در پاسخ به تهدید اوباشان جمهوری اسلامی

صفحه ۱۱

نامه سرگشاده مینا احدی به گیدو وستر وله

وزیر امور خارجه آلمان

مینا احدی، صفحه ۱۲

لیست نمایندگان کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

در مرحله انتخابات محلی به ترتیب الفبا، صفحه ۱۱

بیماری بهنام ابراهیم زاده و جلوگیری از درمان وی

مهدی شانديز به زندان اوین منتقل شد

صفحه ۹

۴ خبر از مبارزات کارگری در ایران

صفحه ۸

صفحه ۳

## بلبشو و نزاع در میان حاکمین

بهرروز مهرآبادی

باور نمی کردند که چند صد لباس شخصی ها و بسیجی اینبار به منزل یکی از همسایگانشان و یکی از معتبرترین ساکنین محل هجوم پاسداران است در روز ۲۴ دی ماه

صفحه ۳

## مصر، سالگرد انقلاب: زنده باد انقلاب!

مصطفی صابر، صفحه ۷

## یکسال بعد از انقلاب مصر

شهلا دانشفر، صفحه ۶

## گسترش تحریم ها، تهدید های تو خالی و مذاکرات هسته ای

بهرروز مهرآبادی، صفحه ۸

## خوشنهای "ناموسی" و اسلام سیاسی

فریده آرمان، صفحه ۱۰

## "جام زهر" خامنه ای و "جام زهر" خمینی!

صفحه ۷

## بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه

محمد شکوهی

## ناسیونالیسم از نوع سینمایی!

یاشار سهندی

## محاکمه باتاسار گارزون

شهاب بهرامی

صفحات ۴-۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## پیرامون کنگره هشتم ...

ای هم هست اما این کنگره اهمیت سیاسی ویژه ای دارد. از نظر سیاسی این کنگره در شرایطی برگزار میشود که سرمایه داری را بحران عمیقی فراگرفته و انقلابات مهمی در خاور میانه و شمال آفریقا شروع شده است و همچنان ادامه دارد. جنبش ضد سرمایه داری رادیکال و گسترده ای در چندین کشور غربی شروع شده است و جامعه ایران در شرایط حساسی بسر میبرد. این انقلابات، انقلابات کارگران و محرومان و ستمدیدگان جامعه علیه فقر و محرومیت های سرمایه داری و علیه دولت های فاسد، سرکوبگر، عهد عتیقی و جنایتکار سرمایه داری است. یعنی متعلق به کمپ چپ جامعه علیه راست جامعه است. متعلق به ما است. جنبش ضد سرمایه داری در غرب هم همانطور که از اسمش پیداست متعلق به اردوی چپ است با ابتکاراتی بسیار جالب، متکی به مجامع عمومی و به اسم "ما ۹۹ درصدیم". در شرایطی که سرمایه داری در سطح جهان، بی افق و ناروشن در منگنه اعتراضات و اعتصابات بزرگ و توده ای قرار دارد و قطب چپ جامعه در حال تعرض است. کنگره حزب بر متن این شرایط تاریخی و ویژه برگزار میشود و به این معنی کنگره ویژه ای است. این کنگره مجمع کمونیست هائی است که بدنبال و در متن اوضاع سیاسی مهمی در ایران، منطقه و جهان یعنی در شرایط متفاوتی از همیشه دور هم جمع میشوند، بحث میکنند و تصمیم میگیرند.

انترناسیونال: برگردیم به جنبه روتین و اساسنامه ای کنگره. گفتید حزب هر دو سال یکبار کنگره اش را برگزار میکنند. یعنی نمایندگان اعضا و کادرهای حزب جمع میشوند و بحث میکنند و تصمیماتی میگیرند. اگر ممکن است برای اطلاع خوانندگان انترناسیونال توضیح دهید که کنگره چه نقشی در حیات و فعالیت حزب دارد؟ اصغر کریمی: همانگونه که اشاره کردم کنگره حزب بطور منظم هر دو سال یکبار برگزار میشود. نمایندگان کنگره از قبل در رای گیری مخفی توسط اعضا انتخاب میشوند و فقط نمایندگان در کنگره حق رای دارند. کنگره عالیترین مرجع تصمیم گیری

## از صفحه ۱

در حزب است یعنی مصوبات کنگره برای همه ارگانهای حزب لازم الاجرا است و هیچ مرجعی در حزب نمیتواند سیاست و مصوبه ای در تقابل با مصوبات کنگره تصویب کند. کنگره سیاست های اساسی و دراز مدت حزب را که با گذشت چند ماه کهنه میشوند تصویب میکنند. کنگره همچنین کمیته مرکزی را انتخاب میکند که در فاصله دو کنگره حزب را هدایت کند. کمیته مرکزی هم به نوبه خود، لیبر حزب یا دبیر کمیته مرکزی و دفتر سیاسی و نهادهای اجرائی و غیره را انتخاب میکند. در کنگره دبیر و مسئولین اجرائی حزب و رئیس دفتر سیاسی گزارشات خود را ارائه میکنند که حول این گزارشات بحث و تبادل نظر صورت میگیرد و سپس قطعنامه ها و قرارهای لازم به بحث و تصمیم گیری گذاشته میشود و سرانجام اعضای کمیته مرکزی حزب که حزب را در فاصله دو کنگره هدایت میکند انتخاب میشوند. وقت محدودی نیز در اختیار مهرانان و کادرهای شرکت کننده در کنگره (علاوه بر نمایندگان) گذاشته میشود.

متاسفانه فعالین حزب در داخل کشور که سهم قابل توجه و مهمی در حیات سیاسی حزب دارند، بدلیل مشکلات امنیتی و محدودیت های سفر قادر به حضور مستقیم در کنگره نیستند اما از طریق ارائه پیشنهادات و اظهار نظر در مورد پیش نویس قطعنامه ها و غیره که قبل از کنگره در اختیار آنها قرار میگیرد در مباحث کنگره دخالت میکنند.

از کنگره سوم حزب در سال ۷۹ به این سو کنگره های ما بطور علنی برگزار میشود. رسانه ها و احزاب و سازمانهای اپوزیسیون، راست و چپ، به کنگره دعوت میشوند، دستداران حزب و یا هر کس علاقمند باشد میتواند ثبت نام کند، هزینه ورود به کنگره و خوابگاه را بپردازد و در کنگره شرکت کند. مباحث کنگره بطور زنده از اینترنت پخش میشود و امیدواریم بتوانیم امکان پخش مستقیم آن از کانال جدید را هم فراهم کنیم. در هر صورت بخش قابل توجهی از مباحث را از کانال جدید پخش خواهیم کرد. این یکی از تفاوت های مهم کنگره های حزب کمونیست کارگری با دیگر احزاب

اپوزیسیون است. این يك نقطه قوت مهم و یکی از برتری های مهم حزب ما در مقایسه با احزابی است که پشت درهای بسته کنگره های خود را برگزار میکنند. اینرا هم اضافه کنم که بخش قابل توجهی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی اساسا کنگره ای برگزار نمیکنند و اعضای آنها جایگاهی در سوخت و سازهای سیاسی و سازمانی آنها ندارند.

رهبران حزب، شخصیت های شناخته شده و بسیاری از کمونیست های مبارزی که چند دهه است در راه آرمانهای بزرگی مبارزه میکنند و همینطور اعضای جوانتر حزب که با خود طراوت و شادابی ویژه ای به این تجمع میدهند در کنگره حضور بهم میرسند و کنگره جائی است که میتوان از نزدیک با آنها آشنا شد. مطمئنم کسی که با به این کنگره بگذارد شادتر، مصمم تر و امیدوارتر و با دوستان زیادی به خانه برخواهد گشت. این کنگره حزبی است که کارگران و مردم ستمدیده ایران را با شایستگی نمایندگی کرده و با چشمانی باز و تحلیل هائی روشن و واقعیهانه و فعال در زمینه های مختلف، اعتماد بسیاری از کارگران و مردم آزادخواه را جلب کرده و کنگره اش نیز سرشار از همین روحیه خواهد بود. هر انسان شریف و آزاده ای صرف نظر از هر سایه روشن و یا اختلاف نظری با حزب، باید تلاش کند در این کنگره شرکت کند و با شرکت در این کنگره در یک رویداد مهم سیاسی مربوط به ایران سهیم شود.

انترناسیونال: انتظار شما از کنگره در شرایطی که توضیح دادید چیست؟ چه تاثیری این کنگره میتواند بر این اوضاع یا بر فعالیت و عملکرد حزب در این شرایط بگذارد؟

اصغر کریمی: جامعه ایران در شرایط بسیار ویژه ای قرار دارد. همه اذعان دارند که این اوضاع پایدار نیست. خشم و نفرت عمیقی کارگران، زنان، جوانان و اکثریت عظیم جامعه را فراگرفته است. مردم بدرست راه رهائی از همه این بدبختی ها و شرایط نامن و خطرناک کنونی را رهائی از شر خود رژیم میدانند و رژیم مدتهاست قدرت تحمیق و بسیج مردم را ندارد. این يك فاکتور مهم سیاسی در اوضاع کنونی است. در چنین شرایطی مردم بیش از هر زمان نیاز به نیروی سیاسی خوشبین،

مصمم، قابل اعتماد، دارای تشخیص درست سیاسی و در عین حال قوی و منسجم دارند که بتوانند به آن اتکا کنند. بعلاوه از یکطرف انقلابات و اعتراضات در سایر نقاط جهان راه حل های انقلابی و رادیکال را در میان مردم ایران تقویت کرده است و از طرف دیگر بدنبال انقلاب ۸۸ و شکست عمیقتر ملی اسلامی ها و بی افقی راست پرو دول غربی زمینه روی آوری وسیع به راه حل های انسانی، سوسیالیستی و واقع بینانه ما وجود دارد و ما باید آنطور که واقعا شایسته حزب کمونیست کارگری است دخالت فعالی در اوضاع داشته باشیم. کنگره از این شرایط تاثیر میگیرد، رنگ و بوی آنها را دارد و با جهتگیری ها، سخنرانی ها و قطعنامه هایش باید بر این شرایط تاثیر بگذارد.

اینجا میخواهم نکته مهمی را با کمونیست ها، با رهبران کارگری و دانشجویی و با فعالین حقوق زن که خواهان تغییرات عمیق در زندگی خود میباشند، در میان بگذارم و آن این است که امروز وقت تصمیمات انقلابی است. وقت مروری به گذشته و تصمیم درست برای آینده است. وقت انتخاب آلترناتیوی است که علیرغم همه شیطان سازی مفتخوره های ایرانی و غیر ایرانی علیه آن، تنها نیروی است که میتواند این اوضاع را به نفع مردم، به نفع بشریت تغییر دهد و آن آلترناتیو چپ است. از جریانات راست و مدافع نظام کثیف اسلامی، "اصلاح طلبان" رژیم شکست خورده اند و بقیه هم هیچ افق و آینده مردمی را نمایندگی نمیکنند. بهر رو روشن است که انتخابی که مقابل جامعه قرار دارد اینست که یا باید راه حل های راست که فراخوانی جز به انتظار کشاندن مردم به طرح های دول غربی نیست، عملی شود. و یا آلترناتیو حزب کمونیست کارگری یعنی انقلاب به نیروی خودمان را با قاطعیت دنبال کنیم و با متشکل

شدن و بلند کردن پرچم همه خواست های سرکوب شده رفاهی و سیاسی خودمان آترا متحقق نماییم. انتخاب مردم این بار میتواند چپ باشد و اگر ما در میدان های مختلف مبارزه حضور قوی داشته باشیم مردم چپ را انتخاب خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری علیرغم هر سایه روشنی که با آن داشته باشید مهمترین سازمان يك تحول چپ و انسانی در ایران و يك پاي واقعی جدال بر سرفردت سیاسی در ایران است که اهداف انسانی و راهگشا دارد و جوهر اوضاع را بخوبی درک کرده است و باید تقویتش کرد. خود کنگره حزب يك پرچم بزرگ است که باید جامعه را هرچه بیشتر متوجه آن کرد. باید در این کنگره شرکت کرد و اگر امکانش نیست به آن پیام داد و به هر شکل ممکن بزرگش کرد. باید آترا در مقابل راه حل های راست و ضد انقلابی و ضد مردمی به جامعه بیشتر شناساند. فراخوان من و دعوت من این است که یکبار دیگر اهداف و مواضع سیاسی این حزب، منش و روش فعالیتش، عرصه های فعالیتش، نقاط قوت و ضعفش را نگاه کنید و اگر حتی بطور نسبی خود را به آن نزدیک میدانید تقویتش کنید. کمونیست های پراکنده به جائی نمیرسند، و نباید يك دهه دیگر و حتی شش ماه و يك سال دیگر به انتظار حوادث نشست. اگر امیدی هست که بنظر من امروز بیش از همیشه هست، این حزب است. باید تصمیم گرفت و آترا تقویت کرد و یا به آن پیوست و دیگران را هم به پیوستن به آن تشویق کرد. کنگره حزب که به زودی برگزار میشود اولین جائی است که میتوان این تصمیم را عملی کرد.

همینجا همه این عزیزان را به کنگره حزب دعوت میکنم و امیدوارم تعداد هرچه بیشتری از آنها را در کنگره ملاقات کنیم و یا پیام هایشان را از تریبون کنگره قرائت کنیم. \*



**بلیشو و نزاع در میان ...**از صفحه ۱  
بهروز مهرآبادی

آورده، در مقابل آن اجتماع کرده و بر علیه او فریاد می زند و در و دیوار را با شعارهای خود سیاه کرده اند. ورود این عده به داخل شهرک که تحت حفاظت شدید قرار دارد، بدون داشتن مجوز از مقامات حکومتی ممکن نیست. ساکنین شهرک کلاهپوش که بسیاری از آنها خود همراه و یا حامی نیروهای بسیج و لباس شخصی بوده و یا تصاویر و فیلم های هجوم این اوباش به مردم را از طریق تلویزیون های ماهواره ای و یا سایت های اینترنتی دیده بودند، اکنون می فهمیند که این صحنه ممکن است بزودی در مقابل محل سکونت خودشان نیز تکرار شوند. هدف حمله قشون اوباش امام زمان این بار یکی از فرماندهان ارشد و با نفوذ سپاه بنام حسین علائی بود. او پنج روز قبل از آن با انتشار مقاله ای در روزنامه اطلاعات به رویدادهای دی ماه ۱۳۵۶ و آغاز اعتراضات مردم بر علیه سلطنت پهلوی اشاره می کند و سوالاتی را مطرح می کند که ممکن است در ذهن شاه پس از فرار نقش بسته باشد. این مقاله هر چند کمترین اشاره مستقیمی به خامنه ای و حکومت او نمی کند ولی رهبر نظام بخوبی معنی کنایات و استعارات بکار برده شده در این مقاله را درک کرده و خود را بعنوان مخاطب اصلی این مقاله می شناسد. احمدی نژاد هم در کنار رهبر قرار می گیرد و رسانه های دولتی نیز در حمله به رئیس سابق ستاد مشترک و فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه شرکت می کنند. روزنامه ها و سایت های مختلف نظیر کیهان، رجا نیوز، فارس و ... مطالب مختلفی بر علیه علائی منتشر کردند. بیانیه ای با امضای ۱۲ نفر از فرماندهان رده پائین سپاه بر علیه علائی منتشر می شود.

مصباح یزدی وحشت ولی فقیه از این واقعه را چنین بیان می کند "هیچ دشمن آمریکایی و کافر نمی توانست این قدر اثر داشته باشد، اما یک سردار جبهه این کار را انجام داد و دشمنان را خوشحال کرد". روزنامه

آورد، در مقابل آن اجتماع کرده و بر علیه او فریاد می زند و در و دیوار را با شعارهای خود سیاه کرده اند. ورود این عده به داخل شهرک که تحت حفاظت شدید قرار دارد، بدون داشتن مجوز از مقامات حکومتی ممکن نیست. ساکنین شهرک کلاهپوش که بسیاری از آنها خود همراه و یا حامی نیروهای بسیج و لباس شخصی بوده و یا تصاویر و فیلم های هجوم این اوباش به مردم را از طریق تلویزیون های ماهواره ای و یا سایت های اینترنتی دیده بودند، اکنون می فهمیند که این صحنه ممکن است بزودی در مقابل محل سکونت خودشان نیز تکرار شوند. هدف حمله قشون اوباش امام زمان این بار یکی از فرماندهان ارشد و با نفوذ سپاه بنام حسین علائی بود. او پنج روز قبل از آن با انتشار مقاله ای در روزنامه اطلاعات به رویدادهای دی ماه ۱۳۵۶ و آغاز اعتراضات مردم بر علیه سلطنت پهلوی اشاره می کند و سوالاتی را مطرح می کند که ممکن است در ذهن شاه پس از فرار نقش بسته باشد. این مقاله هر چند کمترین اشاره مستقیمی به خامنه ای و حکومت او نمی کند ولی رهبر نظام بخوبی معنی کنایات و استعارات بکار برده شده در این مقاله را درک کرده و خود را بعنوان مخاطب اصلی این مقاله می شناسد. احمدی نژاد هم در کنار رهبر قرار می گیرد و رسانه های دولتی نیز در حمله به رئیس سابق ستاد مشترک و فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه شرکت می کنند. روزنامه ها و سایت های مختلف نظیر کیهان، رجا نیوز، فارس و ... مطالب مختلفی بر علیه علائی منتشر کردند. بیانیه ای با امضای ۱۲ نفر از فرماندهان رده پائین سپاه بر علیه علائی منتشر می شود.

مجلس اسلامی که تاکنون در راس گروه حمله به دولت بوده و حامی خامنه ای قلمداد می شدند از حسین علائی و مقاله او حمایت کرده و حمله به او را مورد انتقاد قرار دادند. محمد نوری زاد نوزدهمین نامه سرگشاده و اعتراض آمیز خود را به خامنه ای نوشت و مقاله ای تحت عنوان "شکایت یک بسیجی سبز از رهبری" را در سایت خود منتشر کرد. دختر ربانی املشی و عروس منتظری در نامه ای گلایه آمیز به خامنه ای از فشار به خانواده میرحسین موسوی گلایه کرد.

در میدان نزاع های درون حکومتی، دسته بندی ها مدام در حال تغییر است و کشمکش ها هر روز شکل تازه ای بخود می گیرد. سپاه پاسداران بعنوان مهمترین ارگان سرکوب در طول حاکمیت جمهوری اسلامی به هم ریخته است. در بین معترضین به حسین علائی نام بسیاری از سرکردگان اصلی سپاه بچشم نمی خورد و در این مورد سکوت کرده اند. مرگ چها رنفر از فرماندهان قدیمی سپاه در هفته گذشته، بحث های زیادی را در مورد نارضایتی در میان پرسنل سپاه مطرح کرده و انگشت اتهام در مورد مرگ آنها را متوجه خامنه ای کرده است. این مسئله قبل از هر چیز نشان می دهد که مردم به ظرفیت جنایتکاری سرکردگان رژیم آگاهند و هشدار می دهند که حتی همکاران جمهوری اسلامی هم امنیت ندارند و براحتی می توانند قربانی نزاع باندهای مافیائی جمهوری اسلامی شوند.

عدم اطمینان به وفاداری و قدرت سرکوب سپاه را می توان مهمترین عامل تقویت بسیج و نیروهای لباس شخصی دانست که مستقیماً تحت کنترل بیت رهبری هستند. در آذر ماه گذشته مجلس اسلامی فوریت طرح اختصاص نیم درصد از درآمد فروش نفت و میعانات گازی به بسیج مستضعفین را تصویب کرد. بر مبنای این طرح هر سال ۱۰ درصد از اعتبارات بخش مربوط به جوانان به منظور "چالش های منطقه و فرا منطقه ای" جهت بسط و گسترش بسیج اختصاص می یابد. همچنین ۱۰ درصد از اعتبارات و کمک هایی که هر سال به سازمان های امدادی

نظیر هلال احمر تعلق می گیرد نیز به بسیج واگذار می شود. به این ترتیب بودجه بسیج که در سال گذشته ۵۷۰ میلیارد تومان بود، چند برابر می شود و این نهاد که در کنار نیروهای دریایی، زمینی و هوایی شاخه چهارم سپاه به حساب می آمد، تبدیل به نیرویی موازی و رقیب با آن می شود. بسیج در کنار سپاه یکی از پیمانکاران بزرگ طرح های عمرانی دولت به شمار می آید و همزمان با تصویب طرح افزایش قدرت مالی بسیج در مجلس اسلامی، وزیر اطلاعات بطور جدی خواستار ورود بسیج در دستگاهها مختلف کشور

نجات نفس زندگی از دست سرمایه داری و دولتهایش به میدان بیایند. این شرایط در عین حال بن بست ها و تناقضات جمهوری اسلامی را تشدید کرده است و سران آن هر روز وحشت خود را از خیزش مردم و تکرار انقلابات منطقه بر علیه رژیم اسلامی در ایران اعلام میدارند.

مردم ایران که در سال ۸۸ با تظاهرات و انقلاب خود جمهوری اسلامی را تا لبه پرتگاه راندند و با اشتیاق انقلابات مردم مصر و تونس و لیبی و سوریه و همچنین جنبش "اشغال" در غرب را دنبال کرده و میکنند، نظاره گر و قربانی منفعل این اوضاع نیستند و نخواهند بود. گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی در همه عرصه ها، سرنگونی رژیم بقدرت انقلاب مردم و بدست گرفتن اختیار جامعه توسط خود

شد. در صورت بقای جمهوری اسلامی علاوه بر رقابت ارگانهای سیاسی مختلف نظیر مجلس، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، بیت رهبری و ... باید شاهد کشمکش های بین ارگانهای سرکوب نظیر بسیج و سپاه هم باشیم. این حقایق نشان دهنده منجلابی است که جمهوری اسلامی در آن دست و پا می زند و خبر از خونین تر شدن نزاع ها و اختلافات درون نظام می دهد. نزاع هایی که ذاتی رژیم شده است و جز با سرنگونی آن پایان نخواهد گرفت.\*

**تحریم اقتصادی، نه جنگ و ...**

از صفحه ۱

کارگران و مردم راه واقعی مقابله با فقر و فلاکت و تهدید جنگ و کل اوضاع پرمخاطره فعلی است. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا برای تحقق این راه حل مبارزه میکند. حزب در برابر همه تلاش هایی که به بهانه جنگ و تحریم اقتصادی به دفاع از جمهوری اسلامی برمیخیزند و یا سناریوهای دول غربی برای تحولات از بالای سر مردم را توجیه و تقویت میکنند، قاطعانه می ایستد. ما همه کارگران، معلمان، پرستاران، جوانان و دانشجویان، همه زنان و مردان آزاده را فرامیخوانیم تا علیه فقر و فلاکت، علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی، برابری و سوسیالیسم به میدان آیند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ بهمن ۱۳۹۰، ۲۶ ژانویه ۲۰۱۲**تلفن تماس با حزب از ایران**شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

**زنده باد سوسیالیسم!**

## بازتاب هفته

### رویدادهای منطقه در یک نگاه



محمد شکوهی

### سوریه: بیش از ۶۰۰۰ کشته در ده ماه، اعتراضات با قدرت ادامه دارد!

اعتراضات و تظاهراتهای گسترده علیه رژیم اسد این هفته نیز در اکثر شهرهای سوریه ادامه داشت. نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها به تظاهراتهای مردم در چندین شهر حمله کرده و بیش از ۱۰۰ نفر را کشته و صدها نفر دیگر را زخمی کرده‌اند. جنایات حکومت در سرکوب مردم حد و مرزی نمی‌شناسد. براساس اخبار و گزارشات منتشر شده روز یکشنبه ۲۱ ژانویه اجساد ۶۰ نفر در یک بیمارستان دولتی کشف شد. بنابر این گزارشات این افراد از دستگیرشدگان اعتراضات دو هفته اخیر بوده‌اند که وحشیانه شکنجه شده و به طرز فجیعی به قتل رسیده‌اند. در همین حال یک خودروی نظامی در شمال غرب این کشور که حامل دستگیرشدگان اعتراضات اخیر بوده، در برخورد با بمب منفجر شده و ۱۵ نفر از زندانیان کشته شده‌اند. جنگ و درگیری میان سربازان جدا شده از ارتش و نیروهای امنیتی رژیم در مناطق احسم، البارده، جبل الزاویه و دوما در هفته جاری ادامه داشته است. نیروهای ارتش شهرها و مناطق نامبرده را با سلاح‌های سنگین گلوله باران کرده و صدها خانه را به بهانه "پناه دادن تروریستها" با خاک یکسان کرده و مردم را دستگیر کرده‌اند. همزمان با سرکوب اعتراضات مردم انتشار گزارشات ناظران اتحادیه عرب در باره سرکوب و وحشیگریهای حکومت، یک بار دیگر کشورهای عضو اتحادیه عرب را وادار کرد تا اعتراف کنند که قادر به جلوگیری از سرکوب مردم سوریه نبوده و خواهان مداخله سازمان ملل شوند. مسئولان اتحادیه عرب در اعتراض به سرکوب‌ها هفته گذشته

اعلام کردند که از سوریه خارج می‌شوند. از طرف دیگر رژیم اسد ناظران اتحادیه را به همسویی با "تروریستها" و مداخله در امور سوریه متهم کرده و خواهان خروج آنها از سوریه شده بود. در واکنش به موضع رژیم اسد، وزرای خارجه اتحادیه عرب در نشست اعلام کردند که خواست خارج شدن ناظران را بررسی می‌کنند. دولت عربستان و برخی کشورها اعلام کرده بودند که ناظرانشان را خارج خواهند کرد. اواسط این هفته بعد از چندین نشست اتحادیه عرب، دوباره سران این اتحادیه تصمیم گرفتند که ماموریت ناظران را برای مدت یک ماه تمدید نمایند. در همین حال سازمان ملل نیز از این اقدام اتحادیه عرب استقبال کرد. نکته جالب در این مورد عقب‌نشینی اتحادیه عرب از طرح قبلی اش مبنی بر کناره‌گیری اسد و واگذاری قدرت به معاون او بود. اسد رسماً اعلام کرد که این کار را نخواهد کرد و اگر ناظران خواهان ماندن در سوریه هستند، باید از "مداخله و تعیین تکلیف با حکومت" خودداری نمایند. به نظر می‌رسد که اتحادیه عرب فعلاً از این خواست عقب‌نشسته است. دولت‌های روسیه و چین اعلام کرده‌اند که با هر گونه مداخله نظامی در سوریه و تحریم این کشور مخالفت کرده و اگر قطعنامه‌ای در شورای امنیت در این باره ارائه شود، آن را وتو خواهند کرد.

اواخر هفته گذشته مخالفان حکومت سوریه آخرین آمار و ارقام مربوط به کشته‌شدگان را اعلام کردند. بنابر این اخبار ۶۵۲۲ نفر در ۱۰ ماه گذشته کشته شده‌اند. از این تعداد ۶۹۸ نفر نظامیان جدا شده از ارتش بودند که از تیراندازی به مردم خودداری کرده‌اند، ۴۶ نفر کودک و ۳۰۵ نفر زن می‌باشند. در همین رابطه سایت اینترنتی مخالفان که امر جمع‌آوری اطلاعات را دنبال می‌کند اعلام کرده است که از آغاز اعتراضات مردم بر علیه حکومت از ده ماه پیش بیش از ۴۰۰۰ نفر مفقود شده‌اند. همچنین از آغاز ماموریت ناظران اتحادیه عرب از ۲۳ دسامبر سال ۲۰۱۱ تا کنون ۸۳۱ نفر در سرکوب‌های رژیم جان خود را از دست داده‌اند. این در حالی

است که بر اساس گزارشات نیروهای مخالف بیش از ۲۰ هزار نفر در ده ماه گذشته دستگیر شده‌اند.

### مصر: سالگر انقلاب و اعتراضات در میدان التحریر!

این هفته سالگرد آغاز انقلاب مصر بود که از ۲۵ ماه ژانویه سال گذشته شروع شد و به همین مناسبت از اوایل هفته جوانان با صدور بیانیه‌هایی از مردم خواسته بودند که در گرامیداشت روزهای انقلاب و برای رسیدن به خواست‌هایشان از روز دوشنبه دوباره در میدان التحریر تجمع نمایند. در پاسخ به این فراخوان از اواخر روز دوشنبه صدها هزار نفر در میدان التحریر قاهره تجمع کردند. و تجمعات ادامه دارد. میدان التحریر دوباره حال و هوای روزهای آغاز انقلاب مصر را دارد. بعد از گذشت یکسال از انقلاب مصر بیشتر مردم مصر معتقدند که چیز زیادی عوض نشده و تنها اوضاع به نفع جریان‌ات اسلامگرا بهبود یافته است. بسیاری از مردم از پیروزی اسلامگرایان و دست‌بالا پیدا کردن این جریان‌ات در رقم زدن آینده سیاست در مصر نگران بوده، خواهان ادامه انقلاب، مبارزه با فساد و سرکوب دولت نظامیان می‌باشند. اعتراضات و تجمعات مردم در قاهره ادامه دارد. در واکنش به این اعتراضات ژنرال طنطاوی رئیس شورای نظامیان در تلویزیون حکومتی ظاهر شده و اعلام کرد که قانون وضعیت فوق‌العاده را لغو کرده و این قانون "فقط در برخورد با اراذل و اوباش" ادامه می‌یابد. در همین حال دیده بان حقوق بشر با انتشار گزارشی از وضعیت آزادیهای سیاسی و حقوق بشر در مصر گفته است: ارتش مصر در سال گذشته با توسل به زور معترضان را سرکوب و بازداشت‌شدگان شکنجه کرده است. دیده بان حقوق بشر در گزارش خود می‌گوید: در یکسال گذشته بیش از ۱۲ هزار غیرنظامی در دادگاه‌های نظامی محاکمه شده‌اند که بیش از کل آمار افراد محاکمه شده در طول سی سال حکومت مبارک است.

**لیبی، اعتراض بر علیه دولت!**  
در یک ماهه اخیر اعتراضاتی در شهرهای مضراته و بنغازی بر علیه دولت لیبی در جریان بوده است. این

هفته مردم در اعتراض به ترکیب دولت موقت، عدم عملی شدن وعده‌های دولت و نبود شفافیت سیاسی در انتخاب مقامات دولتی، در شهر بنغازی دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان ضمن حمله به ساختمان مقرر دولت خواهان پاسخگویی مقامات دولت به خواسته‌هایشان شدند. مردم خواهان شفافیت سیاسی و اجرای عدالت می‌باشند. عصر روز سه شنبه سخنگویی دولت موقت اعلام کرد که یکی از معاونان این دولت که در زمان قذافی در دولت وی بود و مردم خواهان برکنارش بودند، از مقام خود استعفا داده است.

سازمان ملل از وجود بازداشتگاه‌های "غیرقانونی" در لیبی خبر داده و تأیید کرده است که تعداد زیادی بازداشتگاه توسط "شبه نظامیان مسلح" که وابسته به ارگانهای دولت لیبی می‌باشند، برپا شده است. مقامات سازمان ملل می‌گویند: "به دلیل اینکه دولت موقت لیبی هنوز نتوانسته کاملاً بر اوضاع این کشور مسلط شود، امکان رسیدگی به وضعیت این زندانیان که عمدتاً در زندانهای مخفی به سر می‌برند نیز وجود ندارد" بر اساس این اخبار بیش از ۸۰۰۰ هزار نفر در این بازداشتگاهها زندانی بوده و در وضعیت بدی بسر می‌برند. مقامات دولت لیبی در پاسخ به عدم رسیدگی به وضعیت دستگیرشدگان که بنابر ادعای این دولت از وابستگان رژیم قذافی می‌باشند، گفته‌اند: که امکان رسیدگی سریع به پرونده اتهامات این افراد وجود ندارد. این در حالی است که هفته گذشته سازمانهای مدافع حقوق بشر خبر از نقض گسترده حقوق شهروندان در کشورهای مصر، تونس و لیبی داده و ابراز نگرانی کرده‌اند که وضعیت دستگیرشدگان، نحوه دستگیری و شرایطی که این زندانیان در این کشورها در آن بسر می‌برند، بیانگر بدتر شدن وضعیت زندانیان است. بنا به یک گزارش دیگر هفته گذشته طرفداران قذافی شهرک بنی ولید را به تصرف خود در آوردند و جنگ و درگیری نظامی سختی در اطراف این شهرک ادامه دارد.

**مراکش: اعتراض به بیکاری و خودسوز ۵ جوان!**  
در مراکش اعتراضات جوانان بر علیه دولت و بیکاری گسترده کماکان

ادامه دارد. از زمان برگزاری انتخابات در این کشور، آخر سال ۲۰۱۱ و وعده‌های "اصلاحات" که منجر به قدرت‌گیری جریان اسلامی در پارلمان مراکش شد، وضعیت مردم بدتر شده و بیکارسازیهای گسترده ادامه دارد. بیشترین میزان بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده است که بیشتر از یک میلیون نفر می‌باشد و دولت هیچ برنامه‌ای در این مورد ندارد. در همین رابطه از ماهها پیش جنبش فارغ‌التحصیلان بیکار مراکش در اعتراض به سیاستهای اقتصادی و بیکارسازی گسترده سازمان داده شده است. این جنبش در شهر ریاط پایتخت این کشور هر روز برنامه‌های اعتراضی بر پا می‌نماید. در ادامه اعتراضات هفتگی بر علیه دولت و بیکاری متأسفانه ۵ نفر اقدام به خودسوزی کردند. سه نفر از این ۵ معترض برای درمان سوختگی به بیمارستان منتقل شدند و گفته می‌شود سوختگی دو نفر از آنان جدی است. تعداد ۱۶۰ عضو این جنبش از دو هفته قبل یک ساختمان وزارت آموزش عالی کشور را در ریاط، پایتخت مراکش، اشغال کرده و اعلام کرده‌اند تا رسیدن به خواسته‌هایشان از این ساختمان خارج نخواهند شد. معترضان خواهان پرداخت بیمه بیکاری و فراهم آوردن زمین‌های اشتغال میلیونها جوان بیکار می‌باشند. پاسخ دولت اسلامگرای مراکش تا کنون حمله به اعتراضات خیابانی جوانان بوده است.

**یمن: علی عبدالله صالح به پایان کار خود رسید**  
با وجود اعتراضات گسترده مردم پارلمان یمن در روز شنبه گذشته لایحه مصونیت قضایی علی عبدالله صالح و همکاران و نزدیکان او را تصویب کرد. او روز بعد یمن را ترک گفت. عبدالله صالح قبل از خارج شدن از یمن در یک سخنرانی از مردم خواست او را بخاطر اشتباهاتش ببخشند و اعلام کرد که برای ادامه معالجاتش به آمریکا خواهد رفت و مجدداً به یمن باز خواهد گشت. سازش احزاب پارلمانی و میانجیگری و حمایت عربستان عبدالله صالح را امیدوار کرده است که در صورت فروکش کردن جنبش انقلابی مردم یمن می‌تواند به قدرت باز گردد. در توافق بین علی عبدالله

## بازتاب هفته

### محاکمه بالتاسار

#### گازرون



شهاب بهرامی

روز سه شنبه ۲۴ ژانویه در حالیکه بیش از دویست نفر از هواداران گازرون به حمایت از وی در مقابل درب ورودی ساختمان دادگستری شهر مادرید تجمع کرده بودند، اولین جلسه دادگاه آغاز شد. تظاهر کنندگان ضمن سر دادن شعارهایی در حمایت از قاضی بالتاسار گازرون، اسامی و عکسهای زیادی از خویشاوندان و نزدیکان خویش را که در زمان فرانکو کشته یا مفقودالامر شده بودند در دست داشتند. داستان محاکمه این قاضی محبوب اسپانیایی که به شجاعت و ستیزه جوئی شهرت دارد به تلاش وی برای بازگشودن پرونده جنایات ژنرال فرانکو دیکتاتور سابق اسپانیا مربوط است. پیش از این نیز تلاش وی، از جمله برای محاکمه کردن ژنرال آگوستو پینوشه، دیکتاتور شیلی به جرم جنایت علیه بشریت، همچنین متهم کردن دولت اسپانیا به تروریسم دولتی در رابطه با جدائی طلبان باسک او را به عنوان چهره ای سرشناس مطرح کرد تا آنجا که بسیاری از نهادهای حقوق بشری در اروپا، وی را نامزد جایزه صلح نمودند.

تحقیقات این قاضی نشان می دهد که در جنگهای داخلی اسپانیا و بعد از شکست نیروهای آزادیخواه مرکب از سوسیالیستها و کمونیستها و دیگر نیروهای ضد فاشیست، بیش از صد و چهارده هزار نفر مفقودالامر شده و هزاران نفر در زندانهای فرانکو معلوم گردیدند. قاضی بالتاسار که خود یکی از فعالین و کادرهای بلند مرتبه در حزب سوسیالیست اسپانیا بود بعد از افشای چند مورد از اقدامات مشکوک و غیر قانونی دولت

سوسیالیستی در دهه هشتاد، این حزب را ترک نمود وعده زیادی از دوستان و همکاران قدیمی را با خود دشمن کرد. به موازات کیس مربوط به فرانکو، بالتاسار گازرون در تحقیقات مخفیانه ای با استفاده از سیستمهای استراق سمع توانست پرده از رشوه خوارها، اختلاسها و فسادهای عظیم مالی- اداری این حزب در قدرت را بردارد که به رسوائی و یک افتضاح بزرگ سیاسی انجامید و موجب استعفاي بسیاری از مقامات ریز و درشت دولتی و چند وزیر کابینه "خوزه ماریو" شد. طرح تحقیقاتی وی برای بررسی جنایات فاشیستهای اسپانیا در جنگهای داخلی در دهه ۳۰ به رهبری فرانکو، حزب راستگرا و در قدرت پارتیدو پوپولار (حزب مردم) را بشدت خشمگین و برآشفته ساخت تا جایی که سران این حزب به کمک همکاران و همدستان سابق فرانکو که تعدادی از آنان هنوز زنده اند و در کربدورهای دولت و بعضی از نهادهای سیاسی و اقتصادی دولتی کماکان صاحب نفوذند و همچنین سکوت معنی دار حزب سوسیالیست، توانست قاضی گازرون را به اتهام تحقیقات غیر قانونی، رشوه خوری و سوء استفاده از مقام دادستانی و چند اتهام دیگر، به پای میز محاکمه بکشاند.

ناظران سیاسی براین باورند که این محاکمه، انتقام و تصفیه حساب سیاسی حزب راستگرای پارتیدو و همچنین ترس این حزب از افشای جنایاتی است که تعدادی از اعضای قدیمی این حزب در آن دست داشته اند. حزب مردم در اوایل دهه هشتاد میلادی و بوسیله تعدادی از اعضای سابق حزب اتحاد مردم (آ-پ) و هواداران و دستیاران سابق فرانکو تشکیل گردید. بعد از مرگ فرانکو در سال ۱۹۷۷ قانونی در اسپانیا وضع شد که طبق آن هر گونه کنکاش و تحقیق در مورد دوران دیکتاتوری فرانکو ممنوع بوده و متخلفین طبق قانون مجازات خواهند گردید، همان قانونی که بالتاسار گازرونی متهم به عدول و نقض آن گردیده است.

سازمان دیده بانان حقوق بشر، عفو بین الملل و چندین سازمان

و نهاد بین المللی، محاکمه قاضی بالتاسار را بشدت محکوم کرده و آنرا حمله ای جدی به حقوق جهانشمول انسانی دانسته و از دولت اسپانیا خواسته اند تا با پایان دادن به این افتضاح سیاسی و منحل نمودن این دادگاه، به حقوق و قوانین بین المللی پایبند بوده و قانون ۱۹۷۷ را ملغی نماید.

در میان بهت و اضطراب جهانی، بخاطر انگیزه سازمان دادن چنین دادگاهی وعاقبت سرنوشت آقای بالتاسار گازرون، بیست و دو نفر از شاهدان زنده جنایات دوران فرانکو برای اولین بار حاضر شده اند که در دادگاه شرکت کنند و به نفع و در تأیید مدارک قاضی بالتاسار زبان به سخن گشوده و قاضی محبوبشان را از این دسیسه سیاسی نجات دهند. شاید کسی نتواند نتیجه جلسات دادگاه را بدرستی پیش بینی کند اما خوشبینی های زیادی بویژه با آمدن ۲۲ شاهد عینی بوجود آمده است. نقل قولی از آقای هوگو رلوا "سخنگوی سازمان عفو بین الملل حقیقت مستتر در این سیرک سیاسی را بهتر از هر کسی توانسته باشد بازگوئی کند: "بنظر می رسد جستجو برای یافتن حقیقت، دست یافتن به عدالت و تلاش برای جبران جنایات گذشته، اینک در این دادگاه به گروگان گذاشته شده است. اسپانیا باید از این افتضاح سیاسی فاصله بگیرد و وظیفه دارد با جنایات علیه بشریت طبق قوانین بین المللی رفتار کند."\*

### ناسیونالیسم از نوع

#### سینمایی!

#### یاشار سهندی

فیلم "جدایی نادر از سیمین" ساخته اصغر فرهادی نامزد دریافت دو جایزه اسکار شده یکی در بخش فیلمهای غیر انگلیسی زبان و دیگر بهترین فیلمنامه غیر اقتباسی. احتمال اینکه این فیلم برنده جایزه اسکار گردد بسیار زیاد است. و اگر اینگونه گردد "کلکسیون جوایز سینمای ایران" تکمیل میگردد. این فیلم قبلا جایزه گلن گلوب را برده و نیز خرس طلایی جشنواره برلین را دریافت کرده و در جاهای دیگر تقدیر شده و مورد توجه "منتقدین سینما" قرار گرفته است. وقتی که فیلم برنده

جایزه گلن گلوب گردید، گزارشگر پشت میکروفن از فرط خوشحالی جیغ کشید، البته گزارشگر سیمای جمهوری اسلامی نه، بلکه گزارشگر یکی از شبکه های ماهواره ای "من و تو" که مستقیما مراسم را گزارش میکرد. یکی مثل سلحشور که سینما را فاحشه خانه میدانند حالش خراب شد. احمدی نژاد به تعزیه چسبید و گفت این دیگر جایزه اسکار نمی خواهد و مال خودمان است! خیلی از هنرپیشگان سینمای ایران اشک شوق ریختند، معاونت سینمای وزارت ارشاد بهانه یافت که تبریک بگوید و یک جوهرهایی از دست اندرکاران سینما دلجویی کند. چون این اتفاق در اوج درگیری وزارت ارشاد با سینماگران بود که "خانه سینما" را منحل اعلام کرده بود. البته عباس کیارستمی که تا این زمان در قبال آن همه سر و صدا پیرامون انحلال خانه سینما سکوت کرده بود به "مسئولین" گوشزد کرد "که ببینید ما چقدر خوبیم!" و توصیه کرد با "سینما مهربان تر باشند!" البته کیارستمی یادش رفته بود که "مهربانی" و خلاقیت با هم جور نیستند "این خشونت سانسور است که خلاقیت ایجاد میکند" این گفته شخص ایشان است.

در مورد فیلم نمی خواهیم وارد بحث شویم (تا آنجایی که به مسایل فنی برمیگردد بنده کوچکتر از آنم که چیزی بگویم اما....) در مورد داستان فیلم هم اینجا و الان شاید وقتش نیست! اما جایزه گلن گلوب و نامزدی اسکار این فیلم بهانه ای شده تا "رگ غیرت ایرانی" برخی ها بچنبد و بگویند: "ببینید چقدر ایران سربلند و نازنین است. نگاه کنید اصغر فرهادی (کارگردان فیلم) با یک جمله اش دنیا را تکان داد. تماشا کنید او با ما تبریک گفت. خاک بر سر

جمهوری اسلامی. زنده باد ایران با فرهنگ! ایران دوباره شد سمبل فرهنگ که از همان "ایام کهن" در تارک بشریت میدرخشید و حالا در شخص آقای فرهادی و فیلم جدایی نادر از سیمین تجلی یافته است. معلوم شد همه مشکلات از اینجا ناشی میشود که جمهوری اسلامی به فکر ایرانیت ایران نیست، و گر نه مردم شکم گرسنه را تحمل میکنند، اصلا درشان این مسایل نیست که روز بروز کمرشان بیشتر تا میشود، بلکه همین که نام ایران بدرخشد و نام ایران با احمدی نژاد تداعی نشود بلکه با جمله فرهادی شناخته گردد کافی است. و مردم با دیگر مشکلات یک جوهرهایی کنار می آیند. خلاصه این فیلم و جوایز آن بهانه ای شده تا ناسیونالیسم ایرانی سرو صدایی راه بیندازد و منتظر اعلام نهایی برندگان اسکار نشسته تا حسابی مانور دهد.

نکته جالب در این میان این است که ما بارها از "برخی ها" شنیدیم که: "آقا مسئله را سیاسی نکن" اما شاهد هستیم همین برخی ها به وقتش شناگران بسیار قابلی هستند. کافی است یک وجب آب ببینند چنان شلپ و شلویی راه می اندازند گویی در وسط اقیانوس دارند شنا میکنند. ما به عنوان یک ایرانی شاد هستیم در قبال یک مراسم "فرهنگی"، اسم رمزی است برای تبلیغ یکی از خشن ترین ایدئولوژیها، که میخواهد سر به تن هیچ "ملتی" نباشد جز ایرانی، البته باز نه هر ایرانی! جایزه سینمایی بهانه ای شده که به همه مردم دنیا بگویند ما از همه شما سر هستیم و به مردم ایران هم پیغام داده شود شکم گرسنه به جای خودش اما سربلندی "ایران سر بلند" بسیار مهم تر است!

### رویدادهای منطقه در یک نگاه...

از صفحه ۴

سه دهه جنایت، شدند. این تظاهرات ها نشان داد که رئیس جمهور فراری نمی تواند بدون سرکوب و کشتار امیدوی به بازگشت به یمن داشته باشد و خواست مردم یمن فرا تر از جابجا شدن عبدالله صالح با یکی دیگر از دست اندرکاران رژیم حاکم است.\*

صالح و احزاب پارلمانی به او و همکارانش مصونیت قضایی داده شد و همه احزاب توافق کردند تا از انتخاب معاون عبدالله صالح بعنوان جانشین او حمایت نمایند. اما در روز یکشنبه ده ها هزار نفر از مردم یمن به خیابانها ریخته و خواستار دستگیری و محاکمه علی عبدالله صالح و همکارانش بخاطر بیش از

## اساس سوسیالیسم انسان است!

**یکسال بعد از انقلاب مصر**



شهلا دانشفر

روز ۲۵ ژانویه سالگرد انقلاب مصر بود. به این مناسبت صدها هزار نفر از مردم مصر در شهرهای مختلف از قاهره تا اسکندریه و دیگر شهرها در میدان التحریر و میادین اصلی جمع شدند. این صدها هزار مردم در سالگرد انقلاب مصر جمع شدند، تا ادامه انقلابشان را اعلام کنند. این را در سخنرانی‌ها و گفته‌های جوانانی که در التحریر جمع بودند و میکروفونها به سمتشان گرفته میشد، آشکارا شنیدیم و در رسانه‌های جهانی نیز وسیعاً انعکاس یافت. اکنون نیز باقی مانده مردم مصر در میدان التحریر بعد از دو روز و تاکیدشان بر خواست جامعه ای سکولار و انسانی، به روشنی بر صحت این گفته تاکید میگذارد.

بدین ترتیب در سالگرد انقلاب مصر در حالیکه دولت نظامی حاکم میخواست با دادن رنگ جشن و شادی، بازگشت اوضاع به شرایط عادی را به نمایش بگذارد، مردم در التحریر و دهها شهر دیگر وسیعاً جمع شدند و خواستار برکناری فوری دولت نظامی طنطاوی شدند و

از ادامه انقلابشان سخن گفتند. در این میان جریانات اسلامی نیز که ظاهراً دو سوم کرسی‌ها را از آن خود کرده اند، مردم را به صبر و گرامیداشت این پیروزی و انتظار تشکیل پارلمان و دموکراسی فرا میخواندند.

اما واقعیت اوضاع از چه قرار است؟ روی کار آوردن دولت نظامی طنطاوی، بعد از سرنگونی مبارک طرح مهندسی شده دولت‌های غرب و حاکمین مصر در مقابل انقلاب مردم بود. در پناه این دولت و سرکوبگریهایش راه برگزاری انتخابات مجلس فراهم شد. بدین ترتیب در نبود جریان چپی که افق روشنی در مقابل انقلاب مردم قرار دهد و نامادگی جریانات چپ و رادیکال که بتواند مهر خود را بر سیر اوضاع و تحولات بزند، و در نتیجه در دل سردرگمی مردم، انتخاباتی برگزار شد که انقلابیون و سکولارها و چپها آنرا تحریم کردند و در نتیجه اسلامی‌ها دو سوم کرسی‌ها را نصیب خود کردند. اما جامعه مصر قطبی‌تر از آنست که کار بسادگی اینجا فیصله یابد. انقلاب مردم مصر علیه فقر و نابرابری و برای داشتن جامعه ای آزاد و انسانی بود و از همین فردای روزی که دولت طنطاوی را روی کار آوردند مقابله مردم شروع شد. انقلابیون یعنی جوانان و بسیاری از کارگران و زنان و بخشهای مختلف مردم مقابلش ایستادند و گفتند تا

خواستهایشان پاسخ نگیرد، به اعتراضاتشان خاتمه نخواهند داد. نگاهی به اتفاقات یکسال گذشته و آنچه که جوانان و مردم مصر در همین دو روز در التحریر بیان کردند، به روشنی این واقعیات را نشان میدهد. در این یکسال مردم و بویژه جوانان مصر بارها و بارها در میدان التحریر جمع شدند و با خواست برکناری دولت نظامی حاکم، با خواست يك جامعه سکولار و آزاد به روشنی بر ادامه انقلابشان تاکید کردند. اعتراضاتی گسترده که اخبارش تحت عنوان بازگشت مجدد مردم مصر به التحریر و انقلاب دوم انعکاس جهانی یافت. در این یکسال ما شاهد شکل گیری دهها تشکل و سازمان کارگری و نیز گسترده ترین اعتصابات در میان کارگران و بخش‌های مختلف حقوق بگیر جامعه علیه نظم موجود و برای يك زندگی انسانی بودیم. اعتراضاتی که آنرا بی نظیر خواندند. در این یکسال همچنین ما شاهد جلوی صحنه آمدن جنبش آزادی زن علیه قوانین ارتجاعی اسلامی و با خواست يك جامعه آزاد و در خور انسان بودیم. جنبشی عظیم و گسترده که علیا المهدی سمبل آنست. دختر جوانی که با انتشار تصاویر برهنه‌اش بر فیس بوک خود، در برابر به تقلا درآمدن جریانات ارتجاعی اسلامی و به جلو کشیده شدن قوانین ارتجاعی شان و فشار بر روی زنان بخاطر حجاب و رعایت



این قوانین، ایستاد. این کار علیا در دنیا صدا کرد. جریانات اسلامی مرتجع فتوای قتلش را دادند و در مقابل دور این حرکت علیا جنبش اعتراضی زنان و مردان آزادیخواه در خیابان شکل گرفت. زنان به خیابان آمدند و حمایت خود را از علیا اعلام داشتند. کمپین در دفاع از علیا در سطح جهان شکل گرفت. علیا با اینکار در واقع سکولار بودن و جوهر رادیکال انقلاب مردمی که شعارش نان، آزادی، کرامت انسانی بود را به نمایش گذاشت. نشان داد که در همه کشورهای اسلامی و آنجا که حتی ذره ای خبر از جنب و جوش جریانات ارتجاعی اسلامی در میان باشد، زنانه بودن انقلاب يك خصلت مهم مبارزات مردم خواهد بود. علیا با این کارش در واقع جواب رجز خوانی‌های جریانات ارتجاعی اسلامی و همراهی مدیای غرب با آنان را داد و فریاد آزادیخواهی جوانان و مردم مصر را به صدا در آورد. صدایی که جهانی شد. این اتفاق بطور واقعی از یکسو برای جریانات اسلامی و جریانی چون



میکند میگوید سازمان ما در آلمان هم اکنون ۵۵۰ زن و دختر و ۵۰ مرد را که همه از خانواده مسلمان هستند، کمک میکند و بیشتر اینها تحت فشار هستند که به ازدواج اجباری تن دهند و برای فرار از این واقعه به ما پناه می آورند. سراپ چلیلی میگوید که خانواده های یزیدی با سازمان دادن يك شبکه بزرگ دختران و زنان فراری را شناسایی کرده و آنها را به قتل میرسانند. در این مصاحبه چلیلی از کمک سازمان "پ.ک.ک" برای یافتن قربانیان حرف میزند و آنرا بشدت محکوم میکند.

روز ۲۱ مارس به این مناسبت در شهر درتموند در محل زندگی آرزو به فراخوان سازمان "پری" مارشی اعتراضی بر پا شد که در آن نمایندگان از کمیته بین المللی علیه سنگسار و کمیته علیه اعدام در

گرامیداشت یاد آرزوی ۱۸ ساله و اعتراض به قتل ناموسی شرکت داشتند. با انتشار گزارش این مراسم خبرش در انترناسیونال شماره آتی درج خواهد شد.

\*\*\*

به همین مناسبت پاتوق فرانکفورت نیز طی اطلاعیه ای برنامه هفتگی روز ۲۸ ژانویه خود را به موضوع قتل‌های ناموسی و علل آن، قربانیان این جنایات چه کسانی

**قتل ناموسی در آلمان**

این بار آرزو اوزمن ۱۸ ساله قربانی ناموس پرستی و ارتجاع شد

آرزو يك دختر جوان ساکن آلمان بود و آنگونه که همکلاسی‌ها و مدرسه اش در يك نامه توضیح داده اند، يك دختر فعال پرشور و منتقد آلمانی بود که روش زندگیش فرقی با دوستان آلمانی اش نداشت. او از يك خانواده یزیدی بود و بدلیل نوع لباسش، نوع تفکر و رفتارش همواره در خانه مورد اذیت و آزار قرار میگرفت.

آرزو بعدا با دوست پسر آلمانیش در يك خانه زندگی میکرد و از دست خانواده اش فراری شده بود.

روز ۱ نوامبر ۲۰۱۱ کوماندوی قتل آرزو متشکل از برادران و خواهرش، و او را با تهدید اسلحه از خانه مشترک با دوست پسرش بیرون آورده و در محلی دورتر از شهر محل

سکونت خانواده او را به قتل رساندند. چنین بود که آرزو گم شد و پلیس دربر به دنبال او بود. اکنون در روز ۱۹ ژانویه پلیس جسد آرزو را پیدا کرده و اعلام کرد که او در همان روز ۱ نوامبر با شلیک گلوله به سرش به قتل رسیده است. همسایگان از اینکه آرزو با چند نفر به زور سوار ماشین شده و يك ماشین دیگر با تعداد دیگری از افراد خانواده این ماشین را همراهی میکردند، حرف زده اند. و همه شواهد حاکی از اینست که يك قتل ناموسی در قلب آلمان اتفاق افتاده است.

این هفتادمین قتل ناموسی در آلمان در ده سال گذشته است. سراپ چلیلی مسئول سازمانی به اسم "پری" که به قربانیان کمک

01772765335

## مصر، سالگرد انقلاب: زنده باد انقلاب!

مصطفی صابر



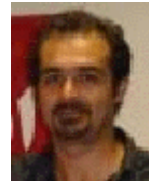
"تنها چیزی که بدست آوردیم آگاهی است. رژیم همان رژیم است و فقط مهره ها عوض شده اند. بجای مبارک ما ارتش را داریم و بجای آن.دی.پی" (حزب مبارک) ما "حزب عدالت و آزادی" (حزب اخوان المسلمین) را داریم که از ارتش حمایت میکنند. ما می دانیم که فساد چقدر عمیق است. واقعا موفق نشده ایم به ریشه های آن برسیم، اما علیه اش مبارزه میکنیم."

اجتماع کنندگان التحریر بصراحت اعلام کردند که دمکراسی و انتخابات اخیر که منجر به قدرت گیری اسلامی ها در پارلمان شده است نمی تواند به خواسته های انقلابی آنان پاسخ گوید. بدین ترتیب حتی رسانه های بورژوازی اعلام میکنند که یکسال پس از انقلاب مصر، انقلاب دیگری به مراتب عمیق تر و رادیکالتر در حال وقوع است. انقلابی که حکومت نظامیان و نیروهای اسلامی و ضدانقلاب بورژوازی را مستقیما هدف قرار میدهد.

در همین گفتگوی مورد اشاره نماینده اخوان المسلمین در برابر ویلانگوس جوان مصری که آنها را جزو ضد انقلاب نامید و هشدار داد که بزودی انقلاب از آنها عبور خواهد

## "جام زهر" خامنه ای و "جام زهر" خمینی!

هادی وقفی



وزیران امور خارجه ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا روز دوشنبه ضمن نشستی در بروکسل، بر سر تحریم خرید نفت و فرآورده های نفتی از ایران به توافق رسیدند. بر پایه مصوبات اتحادیه اروپایی، خرید و انجام معاملات نفتی با ایران متوقف و آن دسته از کشورهای عضو که هنوز قراردادهایی با ایران دارند، می بایست تا اول ماه ژوئیه سال جاری به تمام آنها پایان دهند.

احتمالی ایران برای بستن تنگه هرمز، نیروی نظامی بیشتری به این منطقه اعزام می کند.

"رامین مهمانپرست"، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، قبلا این تحریم ها را غیرممکن دانسته و گفته بود "دنیا در دراز مدت به انرژی نیاز دارد و این نشاندهنده غیرممکن بودن تحریم نفتی ایران است". پس از نشست بروکسل است که "محسن قمصری"، مدیر امور بین الملل شرکت ملی نفت ایران مدعی می شود که "خریداران عمده نفت ایران کشورهای آسیایی هستند و این شرکت بسادگی می تواند برای مشتریان اروپایی خود جایگزین بیابد" و "علی فلاحیان" وزیر اطلاعات دولت هاشمی رفسنجانی حاکمان را فراموش خواند تا "قبل از اجرائی شدن تحریم ها، صدور نفت را متوقف کنند!" امام جمعه ای در کرمانشاه نیز تحریم نفت را "برکتی" برای انقلاب و نظام خوانده است و

کرد، کاملا در موضع ضعف و دفاع افتاده بود. خبری از اعتماد به نفس قابل انتظار- ناشی از کرسی هایی که اخوان المسلمین در انتخابات اخیر برده است، نبود. جز اینکه با عصبانیت بحث را حقوقی کند و بگوید "اینها اتهام است" حرفی برای گفتن نداشت. اما مهمتر، وقتی چنین جدال ها و کشمکش هایی خود را به این روشنی به رسانه های بورژوازی تحمیل میکنند نشانه ای است که در صحن جامعه و مبارزه طبقاتی تحولات عمیقتر و رادیکالتری فی الحال صورت گرفته است.

عکس العمل شورای نیروهای مسلح مصر در شب سالگرد انقلاب مصر نیز به نوبه خود نشان میداد که در مصر اوضاع از چه قرار است. ژنرال طنطاوی "قانون وضعیت فوق العاده" که ابزار جنایت چندین نسل از دیکتاتورهای مصر در سرکوب خونین و وحشیانه مردم بوده است را مثلا "الغاء" کرد. یعنی اعلام کرد جز در مورد "اراذل و اوباش" دیگر

غیر از اینها، هنوز مقامات عالی رتبه مذهبی و اکنشی به اقدامات غرب نشان نداده اند و می توان مدعی شد احضار سفیر دانمارک نیز باصطلاح در اعتراض به تحریم های اتحادیه اروپا، اقدامی کاملا از سر استیصال و درماندگی است. سکوتی مرگبار از جانب بیت ولی فقیه و تمام سرداران و فرماندهانش از تبعات تاکنونی تحریم خرید نفت بوده است. سکوتی مرگبار و معنادار در واکنش به وضعیتی که برای خود درست کرده اند و معلوم نیست کدام دیوانگی و توحش دیگر را قرار است از از درون این شرایط از خود بروز دهند. آن ناظران و تحلیلگرانی که خوشبین ترند، از وضعیت پیش آمده بعنوان نوشیدن "جام زهر" دیگری نام می برند و دوراهی سرنوشت سازی که خود خامنه ای در فراهم آوردنش نقش درجه اول را داشته است. خامنه ای یا می بایست جامعه و مملکت را به درون جنگی خامناسوز بکشاند و یا باید به اشتباه خود اعتراف کند و "جام زهر" را سر بکشد. در برابر غربی ها کوتاه بیاید و باصطلاح بر سر میز مذاکره برگردد.

تنش و بی ثباتی در کل اقتصاد و بازار ارز، تورم و افزایش ناگهانی و

اجرا نمی شود! این نشان میداد که جناب ژنرال تا چه حد متوجه است که مردم آنها را همانند همه دیکتاتورهای سابق میدانند و میخواست ژست فاصله از آنها بگیرد اما در عین حال با شرط مسخره "اراذل و اوباش" نشان داد که نمی تواند. بعلاوه طنطاوی نشان داد که مانند بشار اسد و صالح علی و دیگر دیکتاتورهای کشورهای عربی و سایر نقاط دنیا به بیماری علاج ناپذیر احمق حساب کردن مردم دچار است.

اگر همین چند نگاه را کنار هم بگذاریم تصویر روشنتری از کل صف آرای جامعه مصر در سالگرد انقلاب بدست خواهیم آورد. در یکسو ژنرال های ارتش حافظ نظام مبارک (که صد البته مورد حمایت غرب و بورژوازی جهانی هستند) بعلاوه اسلامی ها، پارلمان، سراب دمکراسی و "به خانه بروید ما رای آوردیم" قرار دارد. در سوی دیگر انقلاب، تظاهرات های عظیم میدان التحریر، اعتصابات و مبارزات

چندین برابر قیمت ها و مردمی که در خیابانها برای خرید دلار و سکه صف کشیده اند و در یک کلام، جامعه ای ناراضی که خفقان و سرکوب از سر و کولش بالا می رود، همه و همه از نتایج عمیق تر وضعیت جدیدی است که جامعه و مردم معترض و مترصد ایران و در سوی دیگر، سیاستمدارانی مذهبی و مجنون با آن مواجه اند و "سکوت مرگبار" حاکمین دزد و آدمکش ایران، در واقع، ناشی از ترس و وحشت تمام این مقامات از نتایج عمیق تر اجتماعی است که تحریم های اقتصادی در شرایط حاضر می تواند سبب شود.

روشن است که فشار فوری و مستقیم این تحریمهای گسترده اقتصادی بردوش مردم محروم جامعه است. و تنها راه خلاص شدن از این فشار به زیر کشیدن حکومتی است که نه فقط مستقیما سرکوب میکند و میچاپد و کارگران را به زندان می اندازد، بلکه به دولتها و قدرتهای بورژوازی در گوشه و کنار جهان نیز بهانه میدهد که فشار تحریم و خطر جنگ را بالای سر مردم نگه دارند. حقیقت اینست که اگر مردم آماده باشند، می توانند آن

کارگری (که پس از انقلاب رشد کمی و کیفی داشته) و مردمی صف کشیده اند که از کل این اوضاع بیزارند و میخواهند "ریشه فساد" را درآورند. بعبارت دیگر، انقلاب مصر پس از یکسال بیش از پیش به جدال دو طبقه اصلی جامعه یعنی "بورژواها و پرولترها" تبدیل میشود. اردوی سرمایه، حفظ وضع موجود، سرکوب، آزادی قلابی و انقیاد بشر، در برابر اردوی کار، اعتراض به این جهان وارونه، آزادی واقعی و رهایی بشر در برابر هم قرار گرفته اند. و این فقط حکایت مصر نیست. علیرغم همه تفاوت های محلی، این حکایت ایران و تونس و یونان و فرانسه و آمریکا و روسیه و کل جهان است. پیروزی پایدار و همه جانبه انقلاب در مصر در گرو پیروزی این اردوی دوم است و بنوبه خود تکیه گاهی برای پیشروی و پیروزی آن در همه جهان است. زنده باد انقلاب مصر!

(۲۶ ژانویه ۲۰۱۲)\*

ضربه قطعی ترا به کل این بساط توحش و خونریزی وارد آوردند و جامعه ایران، امروز بیشتر از هر زمانی مستعد تعیین تکلیف با کل این بساط مفتخوری و تروریسم اسلامی است که سی سال است از خونریزی، کشتار، دروغ و شیادی و بالا کشیدن پول های مردم تغذیه می کند.

باید گفت "جام زهر" خامنه ای از جنسی بسیار متفاوت از "جام زهر" خمینی برخوردار است! شرایطی که امروز خامنه ای با آن مواجه است، به هیچ روی شباهتی به شرایط زمان حکمرانی خمینی که به مدد سرکوب ها و اعدام ها و پی ریزی تبعیض ها و بیحقوقی ها قصد داشت نظام اسلامی را ثبات بخشد، ندارد. جامعه ایران از آن پس هیچگاه آرام نگرفت و امروز، نوشیدن جام زهر دیگری کمترین چیزی است که از این مهلکه نصیب خامنه ای خواهد شد. روشن است که راه خلاصی از هر نوع جنگ، تروریسم، بمب و سلاح هسته ای، پایان دادن به عمر ننگین حکومت اسلامی در ایران بقدرت انقلاب مردم است!\*

## انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## گسترش تحریم ها، تهدید های توخالی و مذاکرات هسته ای

بهروز مهر آبادی

روز سوم بهمن ناو هواپیمابر آمریکایی آبراهام لینکلن به اتفاق چند کشتی دیگر از جمله دو ناو جنگی فرانسوی و بریتانیایی از تنگه هرمز عبور کرده و وارد خلیج فارس شدند. پس از مانور نظامی یک ماه قبل جمهوری اسلامی در دریای عمان و خلیج فارس رژیم هشدار داده بود، که این ناو ها به خلیج فارس برنگردند. اما همانطور که پیش بینی می شد، این هشدار را کسی جدی نگرفت و حکومت اسلامی هم ترجیح داد که در این باره سکوت کند. اما ادعای بستن تنگه هرمز هر چند که یک بازی سیاسی از جانب جمهوری اسلامی بود اما نتایج مشخص خود را هم بدنبال داشت. این تهدید توانست قیمت نفت را بالا ببرد که برای صادر کنندگان بزرگ نفت همچون دولت های روسیه، عربستان، جمهوری اسلامی و دلالان و شرکت های بزرگ نفتی سود های کلان بدنبال داشت. هر چند میزان این سودهای در مقایسه با حجم معاملات بزرگ اسلحه ای که در همین یک ماه گذشته و به بهانه بحران در منطقه انجام گرفت، ناچیز بنظر می رسد. قرارداد ۶۰ میلیارد دلاری فروش انواع اسلحه و هواپیماهای جنگی به عربستان سعودی و فروش یک سیستم ضد موشک پیشرفته به امارات توسط آمریکا از جمله این معاملات بودند. حتی دولت فوق دست راستی اسرائیل هم که تحت فشار اعتراضات مردم قول داده بود که از بودجه نظامی بکاهد، فرصت را مناسب دانست تا بیش از ۶۰۰ میلیون دلار به بودجه نظامی کشور اضافه کند. افزایش بودجه ای که به قیمت افزایش مالیات ها و کاهش بیشتر خدمات اجتماعی مردم اسرائیل و فشار و سرکوب بیشتر مردم فلسطین تمام خواهد شد. مانور نظامی جمهوری اسلامی و تهدیدات نتوانست مانعی برای تشدید تحریم ها شود. وزرای امور خارجه کشورهای اروپایی روز سوم بهمن به توافق رسیدند که داریایی

آمریکا اعلام کرده است که بستن تنگه هرمز خطر قریزی است که آن را تحمل نخواهد کرد. بسته شدن این تنگه قبل بیش از همه جمهوری اسلامی را در معرض خطر قرار داده و شریان اصلی اقتصادی آن را قطع خواهد کرد. با افزایش فشار تحریم ها، جدی بودن تهدید نظامی آمریکا، عمیق تر شدن بحران اقتصادی، بالا گرفتن اختلافات درون نظام و از همه مهمتر رویرویی با آتشفشان نفرت مردم، به نظر می رسد دستیابی به سلاح هسته ای تنها گزینه ای است که می تواند به جمهوری اسلامی احساس قدرتمند بودن و ادامه نقش خود بعنوان یک نیروی تروریستی در منطقه را بدهد. بعید بنظر می رسد که دولت های گروه ۵+۱ این موقعیت جمهوری اسلامی را درک نکرده باشند، اما ادامه این بازی موش و گریه برای آنها هم می تواند خوشایند باشد. نوسان های قیمت نفت، گرم شدن بازار فروش اسلحه و نگاه داشتن شبح جنگ روی سر منطقه خاورمیانه می تواند روی بحران های عمیق سیاسی و اقتصادی که دامنگیر سرمایه داری جهانی است سایه بیندازد و بهانه مناسبی برای عقب راندن و کنترل اعتراضات و تشدید فشار های اقتصادی به مردم هر کدام از کشورها باشد. در ایران هم تهدید جنگ اثرات خود را بویژه در زمینه اقتصادی نشان داده است. در زمانی کمتر از یک ماه نرخ دلار و سکه طلا بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت که تاثیر مستقیم خود را بر تمام کالاهای مصرفی مردم گذاشت. نقش دولت بعنوان تنها منبع فروشنده ارز و طلا در بالا بردن قیمت ها قابل انکار نبود. در حالی که باند احمدی نژاد تلاش دارند خود را خواهان مذاکرات با آمریکا و غرب نشان دهند و کاسه کوزه تحریم و تورم سرسام آور را بر سر رهبر و مجلس بشکنند، باند خامنه ای دست به حمله متقابل زده و شریعتمداری سخنگوی غیر رسمی بیت رهبری، دولت را در بالا رفتن قیمت ها مقصر اعلام کرد و در روزنامه کیهان ۵ دی به افراد متوهمی اشاره کرد که: "شرایط کنونی کشور را با دوران شعب

ایران گرفتار آن هستند. نقض ابتدائی ترین حقوق ۷۰ میلیون انسان تحت سلطه حکومت اسلامی تنها چیزی است که در مذاکرات سیاسی و توافقات دولت ها به حساب نمی آید. افزایش سرکوب اختناق، گرانی سرسام آور و دو برابر شدن قیمت اجناس به فاصله کمتر از شش ماه کمترین نتیجه سیاست های جنایتبار جمهوری اسلامی است. بار اصلی تحریمهای اقتصادی نیز بر دوش مردم محروم ایران است که فی الحال زیر بار گرانی و بیکاری و فقر مچاله شده اند. رهایی این وضعیت در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران و پیروزی جنبش ۹۹ درصد مردم جهان است. جنبشی که طلیعه های خود را در چند ماهه اخیر پدیدار شده و قصد خود را برای محو نابرابری، سرکوب، استبداد، جنگ و اقلیت ناچیز محافظان آنها نشان داده است.\*

## ۴ خبر از مبارزات کارگری در ایران

### اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان

هفته گذشته ۲۵۰۰ کارگر پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به ۶ ماه حقوق معوقه خود با تجمع در مقابل درب ورودی پالایشگاه دست به اعتصاب زدند. مدیریت پالایشگاه از وحشت از گسترش اعتصاب کارگران مجبور به پرداخت ۳ ماه حقوق کارگران شد.

### دستمزد کارگران کارخانه پروفیل ساوه و پروفیل صفا پرداخت نمی شود

کارخانه پروفیل ساوه با ۷۰۰ کارگر و کارخانه پروفیل صفا با بیش از ۵۰۰ کارگر ۵ ماه است حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند. کارگران همچنان از اوضاع کنونی ناراضی و معترض هستند.

### اعتراض کارگران شرکت پایا هور در کرمانشاه

بر اساس خبر رسیده به حزب کمونیست کارگری، شرکت پایا هور در کرمانشاه که اجرای پروژه ۵ هزار واحد مسکن مهر در کرمانشاه را برعهده دارد ۴ ماه است که به کارگران حقوق نداده است. کارفرمای

اصلی این طرح تعاونی مسکن لشکر زرهی ۸۱ کرمانشاه میباشد. در این محل حدود ۹۵۰ نفر کار میکنند که ۴۵۰ نفر مستقیم زیر نظر کارفرمای اطمینان کار میکنند. این کارگران در روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ دی دست به اعتصاب زدند و خواستار پرداخت حقوقشان شدند که ظهر روز ۲۸ دی با وعده کارفرما که روز ۱ بهمن حقوق کارگران پرداخت میشود کارگران به سر کارشان برگشتند.

### اعتصاب کارگران شرکت تکاب صنعت در منطقه پارس جنوبی

۲۰۰ کارگر شرکت تکاب صنعت در اعتراض به کسری حقوق و عدم پرداخت ۳ ماه دستمزد خود، از روز ۲۴ دی دست از کار کشیده و با برپایی تجمع در مقابل اداره مرکزی مربوط به "مجموعه اجرایی نفت و گاز پارس خواستار افزایش حقوق و پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند. این اعتصاب و تجمع طی روزهای گذشته نیز بطور متحدانه ای ادامه داشته و کارگران اعلام کرده اند تا رسیدن به خواسته ها به اعتراضات خود را ادامه خواهند داد.

# نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!





### کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla\_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر  
00447779898968  
bahram.soroush@gmail.com بهرام سروش  
0044-7852 338334  
<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

#### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

#### کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

#### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

#### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



بهنام ابراهیم زاده که محکوم به ۵ سال زندان است اکنون بیستمین ماه حبس خود را در بند ۳۵۰ زندان اوین میگذراند. جرم بهنام دفاع از حقوق کارگر، دفاع از حقوق کودک و خواست یک زندگی انسانی است.

در کنار کمیته حمایت از بهنام ابراهیم زاده به این فشارها اعتراض کنیم. صدای اعتراض بهنام در سطح جهانی باشیم. بهنام ابراهیم زاده باید فوراً از زندان آزاد شود. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

۷ بهمن ۹۰، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۲  
کمپین برای آزادی کارگران زندانی

### اطلاعیه شماره ۳۴

## بیماری بهنام ابراهیم زاده و جلوگیری از درمان وی

بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری، چهره کارگری محبوب و فعال دفاع از حقوق کودک که بخاطر شکنجه هنگام بازجویی در سال ۱۳۸۹ از ناحیه پرده گوش دچار آسیب شده است، اکنون از درد شدید گوش و دندان رنج میبرد، ولی مسئولان زندان از معالجه او خودداری میکنند. بنا بر این گزارش که توسط کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زده منتشر شده، در ملاقاتی که بهنام با خانواده خود داشته از درد شدید گوش و سر ابراز ناراحتی کرده و گفته است که پزشک زندان به او گفته است تا پایان دوران محکومیت نخواهند گذاشت که به مراکز درمانی بیرون از زندان منتقل شود و باید با همین حال دوران محکومیت را سپری کند. و بدین ترتیب جانیمان

اسلامی با نگاهداشتن بهنام در بی درمانی و رها کردن او با دردهای شدید جسمانی او را زیر شدید ترین فشارها قرار داده اند. همچنین اخبار حاکیست که بدلیل قطع گاز در اوین سرمای سلول های زندان و حمام با آب سرد، باعث بیماری بسیاری از زندانیان شده است. این خود نیز از جمله فشارهاییست که بهنام ابراهیم زاده را نیز آزار و شکنجه میدهد. بنا بر خبر دیگری از کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده، مقامات زندان از بهنام خواسته اند که با توجه به اینکه یک سوم از دوره محکومیتش را طی کرده است از مقامات قضایی تقاضای "عفو مشروط" نماید. اما بهنام در پاسخ اعلام کرده است که او جرمی مرتکب نشده است که از کسی تقاضای عفو نماید.

## مهدی شانديز به زندان اوین منتقل شد



جسمی بیشتری قرار دهد. وسیعاً به این فشارها اعتراض کنیم. مهدی شانديز و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۷ بهمن ۹۰، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۲

بر اساس خبر منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، مهدی فراخی شانديز، معلم و فعال کارگری که به اتهامات واهی به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شده بود حدود دو هفته پیش در زندان اوین و در بند ۳۵۰ محبوس شده است.

بنا بر این خبر زندانیان محبوس در بند ۳۵۰ برای تماس با خانواده هایشان دارای محدودیتهای بسیاری هستند و از جمله مهدی شانديز به جز ملاقات های کابینی تنها حق

## دو آکسیون اعتراضی در حمایت از کارگران زندانی در ایران

شنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۱۲ از ساعت ۱۴،۰۰ الی ۱۷،۰۰

شنبه ۲ فوریه ۲۰۱۲ از ساعت ۱۴،۰۰ الی ۱۷،۰۰

مکان؛ مرکز شهر فرانکفورت - هاپت واخه

تماس: ۰۱۶۳۷۹۰۷۹۴۶

حزب کمونیست کارگری ایران - فرانکفورت

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



مراسمی در میدان مرکزی شهر برگزار شد که در آن از طرف نهادها و سازمانهای مختلف سخنرانی کردند از جمله مریم طاهری از طرف نهاد "پلا و فادیمه را فراموش نکن"، فریده آرمان از کمیته دفاع از حقوق زنان، حسن صالحی از فدراسیون پناهندگان ایرانی و گونار از سازمان هومانیتستا و بهاره اندرسون و یک نفر از حزب سنتر چند سخنران دیگر از زوایای مختلف به مسئله پوشش دادند و کمبودها و نواقض کار کمک رسانی را در این رابطه برشمردند. این مراسم با یک قلب بزرگ از گل و شمع و عکس فادیمه جلو زیبایی داشت.

دیروز ۲۱ ژانویه در سراسر سوئد آگسینوها و مراسم هائی برای گرامیداشت یاد فادیمه شاهیندال و بر علیه خشونت های ناموسی صورت گرفت. در شهر مالمو هم

زانیار مرادی و لقمان پسر عموی او که هر دو در زندان رجایی شهر و محکوم به اعدام هستند حرف زد و گفت: آخرین حرف زانیار با من این بود که تصور کن پسر تو هشتم هر چه میتوانی بکن تا اعدام نشوم و او از جمع حاضرین در جلسه خواست که با دست زدن به متن بیانیه ای رای دهند که در آن حکم اعدام زانیار و لقمان محکوم شده و دانشجویان حاضر در جلسه خواهان آزادی این دو زندانی سیاسی شده اند. دانشجویان با کف زدن طولانی به این خواست رای داده و خواهان آزادی فوری زانیار و لقمان شدند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۶ ژانویه ۲۰۱۲

### لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

جریان بیفتد. باید توجه و بودجه و امکانات زیادی برای کمک به زنان اختصاص پیدا کند. هر کسی باید حق داشته باشد برای سرنوشت خود و بدن خود تصمیم بگیرد و جامعه با تمام قوا از او حمایت کند. هر کسی که دست به خشونت و زور گویی به دختران و پسران برای مجبور کردن آنها به آنچه که نمی خواهند بزنند مجازات شود و خانه های امن بسیاری برای این آنها که در معرض خطر هستند بوجود بیاید. اینها بخشی از آن اهدافی است که در برنامه حزب کمونیست کارگری پیش بینی شده و فعالینش در گوشه و کنار دنیا برای آن تلاش می کنند. فادیمه در سوئد، ندا در ایران، علیا آن دختر مصری که بدن خود را به نمایش گذاشت و حالا برهنه شدن هنرپیشه محبوب ایرانی گلشیفته و هزاران هزاران دیگر در کمپ برابرطلبانه زنان قرار دارند. بدن من، انتخاب من و فکر من متعلق به من است و هیچ کس حق دخالت در آن را ندارد.

دیروز ۲۱ ژانویه در سراسر سوئد آگسینوها و مراسم هائی برای گرامیداشت یاد فادیمه شاهیندال و بر علیه خشونت های ناموسی صورت گرفت. در شهر مالمو هم

با پاهای خودمان رای بدهیم که مخالف چه چیزی هستیم و از این طریق حق خودمان را بگیریم. او در مورد جنبش اسلامی و سازمانهای اسلامی در مصر و فرصت طلبی و خشونت، همکاری آنها با نظامیها حرف زد و گفت در مصر یک جنبش قوی کارگری، یک جنبش قوی سکولار و جنبش طرفدار برابری زن و مرد وجود دارد که در حال مبارزه است و ما باید از این جنبش دفاع کنیم.

در بخش پرسش و پاسخ که یکساعت ادامه داشت تعداد زیادی از حاضرین اظهار نظر کرده و سوالات خود را مطرح کردند. در پایان مینا احدی در مورد

شرایط کودکان نگاه کرد که شاهد خشونت هستند و روح و روان آنها برای همیشه آسیب می بیند. آمار در کشور سوئد که کشوری ۹ میلیونی است نشان می دهد حدود ۱۷ زن سالانه توسط مرد خانواده به قتل میرسند. نزدیک به ۲۰۰ هزار کودک شاهد خشونت در خانواده هستند و حدود ۱۰۰ هزار دختر و پسر جوان در زیر فشارها و خشونت های ناموسی قرار دارند.

فادیمه نه اولین و نه آخرین بود ولی او کسی بود که حداقل در کشور سوئد چشمها را برای دیدن وضعیت دختران و زنان در خانواده های سنتی با ارزشهای اسلامی و ناموس پرستانه باز کرد. او فقط قربانی نبود او دختری بود که برای تغییر در زندگی کسانی در شرایط خودش تلاش میکرد و بطور رسمی و علنی در این مورد حرف زد. قتل او سوئد را لرزاند و باعث شد از سال ۲۰۰۳ دولت ۳۳۶ میلیون کرون برای کمک به جوانان در معرض خطر اختصاص بدهد. امروز ۲۵۰ نهاد برای مخفی کردن این جوانان در سوئد ایجاد شده است. در تمام کشورهای اسلام زده هر جا که جنبش اسلامی حضور و نفوذی دارد باید یک حرکت قدرتمند در دفاع از زندگی و حقوق زنان به

جهانشمولی حقوق انسان، با دفاع از مذهب نداشته کودکان، با دفاع از مدارس بی حجاب و عدم تدریس مذهب در مدارس و با دفاع از حقوق زنان و دختران جوان میکوشد علیه این سیاست راسیستی و متکی بر نسبییت فرهنگی عمل کند. مینا احدی در ادامه سخنرانی خود گفت: امروز ۲۵ ژانویه سالروز آغاز یک انقلاب زیر و روکننده در مصر است. همین امروز هزاران نفر در میدان التحرير تجمع کرده و خواهان ادامه یافتن انقلاب و به نتیجه رسیدن آن هستند. وی گفت. من از اول مخالف کسانی بودم که در آلمان میگفتند: انقلاب مصر بی فایده است چرا که برنده این مبارزه اسلامیهما هستند. انقلاب در مصر و تونس و دیگر کشورها، چهره دنیا را عوض کرد. مردم معترض در نیویورک و برلین و لندن به خیابان رفته و گفتند ما از التحرير یاد گرفتیم. اکنون خیابان یک فاکتور مهم سیاسی در دنیا است. اگر به چیزی معترض هستیم، که هستیم، اگر سیاستمداران و دولتها گوششان بدهکار اعتراضات نیست، میتوانیم همه باهم به خیابان رفته و

### خشونت های "ناموسی" و اسلام سیاسی

فریده آرمان

و در قانون و ارزش گذاری های مبتنی به مذهب بزرگترین علت قتل و خشونت و بی حقوقی نسبت به زنان و جوانان است. طبق آمار سازمان ملل ۵۰۰۰ زن سالانه به دلایل ناموس پرستی در دنیا به قتل می رسند. آمار واقعی دهها بار بزرگتر از این است. سنگسار و اعدام رسمی زنان توسط دولتهای اسلامی به دلیل خدشه دار کردن نرهای مذهبی و ناموس پرستانه در این گونه آمارها نمی آید. قتل هایی که با رجوع به قانون کشور و یا قوانین شرعی در کشورهایی مثل ایران، افغانستان و عربستان و... صورت میگردد. اگر از سر تحمیلات مختلف به زندگی زنان و دختران و پسران نگاه کنیم ابعاد این تعرض سر به میلیونها نفر میزند. این امار ابعاد میلیونی به خود میگیرد وقتی دختران و پسران جوان مجبور به ازواج با کسی می شوند که خود انتخاب نکرده اند. میلیونی است وقتی نمی توانند آنطور که می خواهند لباس بپوشند و با دوستان خود رفت و آمد داشته باشند، نمی توانند برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند. در چنین خانواده هایی باید به

فریده آرمان

### سخنرانی مینا احدی در دانشگاه ماینز آلمان

دانشجویان دانشگاه ماینز، حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی را محکوم کرده و خواهان آزادی آنها شدند.

تکیه کرده است. او گفت. در ایران حکومت از دست مردم یک روز هم نفس راحت نکشید و بویژه امروز، انزجار و نفرت عمومی از این حکومت در ایران بیدار میکنند، با سرنگونی حکومت اسلامی دنیا خواهد دید که چه ظرفیت عظیم اجتماعی در ایران علیه مذهب و علیه جنبش اسلامی وجود دارد... او در مورد علت تشکیل سازمان اکس مسلم در آلمان، گفت: جنبش اسلامی و اسلام سیاسی در اروپا نیز فعال است و دولتهای اروپایی و دولت آلمان با زدن اتیکت مسلمان بر پیشانی میلیونها نفر آنها را دو دستی تقدیم این سازمانهای ارتجاعی اسلامی کرده و با آنها کنفرانس اسلام تشکیل داده در مورد مقدرات میلیونها نفر با اسلامیهما بند و بست میکنند. این یک افتضاح کامل سیاسی بود و سازمان اکس مسلم با در دست گرفتن پرچم

روز چهارشنبه ۲۵ ماه ژانویه مینا احدی به دعوت دانشجویان طرفدار بنیاد جردانو برونو در این دانشگاه سخنرانی کرد. در ابتدا ایلماز آیتن از طرف جمع دانشجویان آتیست و اومانیست به حاضرین خوشامد گفت و سپس مینا احدی در یک سخنرانی یکساعته در مورد سازمان اکس مسلم، فعالیتهای خود علیه اعدام و سنگسار و در مورد جنبش اسلامی و سی و دو سال حکومت جنایتکار اسلامی حرف زد. او گفت: ما در ایران انقلابی کردیم علیه دیکتاتوری شاه و ضد این انقلاب، در ایران یک حکومت اسلامی بنیان گذاشت. حکومتی که با زن ستیزی و حمله به زنان حیثیتش را آغاز کرد و با اعدام و چوبه دار نفس کشید و تا همین امروز و بعد از سی و دو سال نیز برای ماندن به جنایت و خونریزی و اعدام و زندان

## در پاسخ به تهدید اوباشان جمهوری اسلامی

عبدالله اسدی

من در تمام طول عمر جمهوری

اسلامی چه آن هنگام که در تشکیلات کومله و حزب کمونیست ایران بودم و چه الان که در حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی فعالیت میکنم علیه حاکمیت ننگین این رژیم بدون تردید و بدون وقفه مبارزه کرده ام و الان نیز با عزم و اراده بیشتری به فعالیت و مبارزه علیه حکومت اراذل و اوباش اسلامی ادامه می دهم. اوباشان جمهوری اسلامی باید بدانند که من در دل مردم و جامعه ای زندگی میکنم که اطمینان دارم در مقابل هر طرح و توطئه ای از سوی جمهوری اسلامی در کنار من خواهند بود.

تهدید و زندان و شکنجه و اعدام و حذف فیزیکی مخالفین جزو ذات و خصلت جمهوری اسلامی در تمام طول عمر ننگین آن بوده است ولی با این حال، نه تنها نتوانسته است جامعه را به تسلیم وادار، بلکه ابزارهای سرکوبش امروز متوجه صفوف خودش نیز شده است. امروز مجلس و دولت و دستگاههای

دوران قدرقدرتی و تروریسم جمهوری اسلامی به پایان رسیده و بساط ننگینش بزودی توسط مردم آزادیخواه برچیده خواهد شد.

روز ۱۸ ژانویه به دنبال يك مصاحبه رادیویی در شهر گوتنبرگ سوئد فردی به تلفن همراه زنگ زد و به طرز بسیار کثیف و لمپناهی مرا به باد فحش و ناسزا گرفت و اعلام کرد که چنانچه دست از فعالیت علیه جمهوری اسلامی برنداری ترا حذف می کنیم و تلفن را قطع کرد.

میدانستم که این اقدام از طرف ماموران جمهوری اسلامی است با اینهمه در چند روز گذشته به این موضوع زیاد فکر کردم و فاکتورهای سیاسی و شخصی پیرامون این موضوع را بررسی کردم. تردیدی در این ندارم که این تهدید از ماموران جمهوری اسلامی برمیآید. از راههای مختلفی دارم این موضوع را دنبال می کنم بدون اینکه ذره ای از خدمت به مردمی که از دست جنایتکاران و شکنجه گران رژیم اسلامی فرار می کنند کوتاه بیايم.

## رهبران کارگری شایسته ...

صفحه ۱۱

بوداغي، منصور اسانلو و عده دیگری از فعالین کارگری یا در زندانند و یا با وثیقه های سنگین آزاد شده و خطر دستگیری هر لحظه آنها را تهدید میکند. به این لیست هرروز اضافه میشود. باید با تمام قوا به دفاع از رهبران کارگری برخاست و جمهوری اسلامی را چنان تحت فشار قرار داد که دست از سر فعالین کارگری بردارد.

دستگیری و تحت فشار قرار دادن و اذیت و آزار فعالین کارگری يك رکن همیشگی سیاست های جمهوری اسلامی بوده است، همچنانکه اعدام و شکنجه فعالین سیاسی هیچگاه از عملکرد این حکومت کنار نرفته است. اما در شرایط کنونی جمهوری اسلامی دلایل ویژه تری برای این اقدامات جنایتکارانه خود دارد. حمله بیسابقه ای که به سطح معیشت کارگران جریان دارد بدون محدود کردن و دستگیری و اذیت و آزار فعالین کارگری غیر ممکن است. جمهوری اسلامی میدانند که اگر سه ماه دست از سرکوب فعالین کارگری بردارد جنبش کارگری دست به

اعتراضات و اعتصابات بزرگ و سراسری خواهد زد و بسرعت متشکل خواهد شد. تجربه اعتراض هرروزه مردم آزادیخواه سندانج و خانواده های شریف ساعدپناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران حاوی درس های مهمی برای همه مردم است. از روزی که این دو فعال محبوب کارگری را دستگیر کردند تجمعات اعتراضی شروع شد. مردم کوتاه نیامدند و بالاخره ارگان های سرکوب را مجبور به آزادی آنها کردند. ارسال خبر به سایت ها و رسانه ها و پخش خبر در شهر و استقبال پرشور مردم موقع آزادی آنها و انداختن حلقه های گل به گردن آنها گوشه های دیگری از فعالیت جوانان و مردم سندانج در دفاع از کارگران زندانی بود. تک تک این اقدامات برای آزادی شریف و مظفر ضروری بود و این باید به الگویی در مبارزه مردم در سراسر کشور تبدیل شود.

هرجا جمهوری اسلامی فعالین و رهبران کارگران را دستگیر میکنند باید بلافاصله همه را خبر کرد، تجمع



## لیست نمایندگان کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در مرحله انتخابات محلی به ترتیب الفبا

- ۱- داود آرا م
- ۲- خسرو آرمانیان
- ۳- منیژه اتمامی
- ۴- شادی بهار (شیرین بهرامی)
- ۵- شاهر پیرخسران
- ۶- فواد پارسا
- ۷- نینا تابان
- ۸- بهرام جهانبخش
- ۹- پری جاویدان
- ۱۰- جمال خسروی
- ۱۱- بابک خانی
- ۱۲- مریم صادقی
- ۱۳- مهین درویش روحانی
- ۱۴- حمید رحیم پور (حمید برمن)
- ۱۵- پدرام رضا زاده
- ۱۶- هرمزها
- ۱۷- عباس زمانی
- ۱۸- فرهاد زندی
- ۱۹- امیر زاهدی
- ۲۰- پریسا سلیمی
- ۲۱- سولماز سعیدی
- ۲۲- شیرین شمس
- ۲۳- شایان شیخی
- ۲۴- ناصر شیشه گر
- ۲۵- کیا صبری
- ۲۶- سوسن صابری
- ۲۷- مجید صندوقدار
- ۲۸- نازیلا صادقی
- ۲۹- داریوش صفا (بهمن برمن)
- ۳- هستی طاهری
- ۳۱- اندیشه علیشاهی
- ۳۲- اسماعیل علیجانی (اسی برلین)
- ۳۳- مینو فتاحی
- ۳۴- محمود قاندي
- ۳۵- ناصر کشکولی
- ۳۶- سهیلا کیانی
- ۳۷- سرور کاردار (ابولقاسم)
- ۳۸- ریحانه گلی
- ۳۹- فلورث معارفی
- ۴۰- گیتی موسوی
- ۴۱- مینو مدنی
- ۴۲- نوید محمدي
- ۴۳- ماشال موساوند
- ۴۴- زهره نظری
- ۴۵- فروغ نیا
- ۴۶- ستار نوریزاده
- ۴۷- مرجان واعظ

فراگرفته و فشار به فعالین کارگری بر متن استیصال و وحشت رژیم از خیزش بزرگ کارگران و مردم صورت میگیرد. این وضعیت وظایف مهمی بر دوش رهبران کارگری، بر دوش کارگران کمونیست و پیشرو و بر دوش کل بخش پیشرو جامعه قرار داده است. باید خود را برای تحولات زیر رو کننده ای که در راه است آماده کنیم.

حزب کمونیست کارگری کلیه کارگران و خانواده های کارگری را به

قابل توجه عموم!

**قابل توجه عموم! آخرین مهلت ثبت نام برای شرکت در کنگره حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ فوریه است**

کنگره هشتم حزب کمونیست

کارگری ایران در ماه فوریه ۲۰۱۲ در یکی از کشورهای اروپایی برگزار میشود. شرکت در کنگره برای عموم آزاد است. چنانچه مایل به شرکت در کنگره هستید، برای ثبت نام با آدرس زیر تماس بگیرید. آخرین مهلت ثبت نام برای شرکت در کنگره ۱۰ فوریه است.

Congress8@gmail.com

## ندا و گلشیفته ...

از صفحه ۱

جنبش انقلابی مردم ایران در سال ۸۸ به منزله ی حضور تمام قد زنان در انقلاب بود. و کشتن ندا به دست آدم کشان رسوا که رد پای شان در تمام صحنه های کشتار در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی دیده می شود، یک بار دیگر نشان داد که برای ارباب مردم آزادیخواه، می کوشند از زنان شروع کنند تا در صورت موفقیت، آن را به کل مردم بیا خاسته و در سایر عرصه های جنبش، نظیر کارگران، دانشجویان، معلمان، جوانان، کودکان، پرستاران... تسری دهند. این ترند از فردای پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ و به ویژه در راهپیمایی ۸ مارس سال ۵۷ به کار گرفته شد و اتفاقا آل احمد های پلاستیکی و مدافعان - بعضا امروز شرمسار - آنان در یک همنوایی مسخره و رسوا، مهر تایید بر سرکوب جنبش زنان زدند. ندا سمبل زنان برابری طلب و آزادیخواه و مدرن بود که کشته شدنش بلافاصله او را به نماد مبارزه ی سرنگونی طلبانه در ایران تبدیل کرده و به سرعت توفان در دنیا معرفی شد. سرعت معرفی ندا بعنوان سمبل و نماد مبارزه ی زنان با آپارتاید جنسی، نماد مبارزه با فقر و فلاکت، نماد مبارزه با بی حقوقی زنان، نماد مبارزه با حجاب اجباری و چادر و در یک جمله: نماد انقلاب بود. مرگ ندا ثابت کرد که مبارزات زنان که از همان فردای انقلاب ۵۷ شروع شده بود، یک دم هم نیاورد. مرگ ندا نشان داد که رفتارهای فرمبستی و مماشات گرایانه ی شیرین عبادی ها و شادی صر ها با بره انداختن روش های ترمیم جویانه و رفو گرانه تحت عنوان کمپین یک میلیون امضاء، شنا کردن در باتلاق است.

کشته شدن ندا در خیابان و در کارزاری جدی، فقط نقاب از روی آدم کشان برداشت که این نقاب از فردای انقلاب ۵۷ از چهره ی سران جمهوری اسلامی برافتاده بود. این بار ماسک از صورت اصلاح طلبان حکومتی و غیرحکومتی کنار زده شد و "کمپینیان" دیدند که امیدی به اصلاح حکومت نیست. هرچند با سرکوب و ارباب و تجاوز و برپا کردن کهریزک و داغ و درفش و دار

تفکیک جنسیتی در ایران، به اروپا پناهنده شده بود، در اعتراض به همه ی ستم ها و تضحیاتی که در حق زنان روا داشته می شود، در یک اقدام تابو شکنانه، بدن خود را لخت کرده و عکس برهنه ی خود را در معرض دوربین ها قرار داد. تا بگوید که این بدن من است و این بدن نباید مرا از حضور در جامعه محروم سازد. تا بگوید که این بدن، لولوخورخوره نیست که شما سعی می کنید آن را از دیگران مخفی نگه دارید و از دوران کودکی و کودستان به خاطر این بدن مرا از بازی کردن با پسران باز دارید و وقتی که به سن ۹ سالگی رسیدم، کالا بودن مرا جابرنیزد و مرا به معرض فروش و تجاوز و تمتع قرار دهید تا فریاد بزند که ایها الناس! این دفعه دیگر "پادشاه، لخت است" و این را دیگر نه فقط کودکان بلکه همه ی مردم دارند می بینند. و باید که ببینند. تا بگوید که من این خط قرمز را می شکم که بتوانم حجاب و سرکوب و قوانین تبعیض آمیز ضد زن را بشکنم. من این تابو را می شکم تا سد مناسباتی را بشکنم که زن را کالای لذت جویی مرد به حساب می آورد.

گلشیفته، این تابو را شکست و از فردای آن روز برخورد ها شروع شد. عده ای به لعن و نفرینش پرداختند و این عمل گلشیفته را حمل بر بی حیایی و انحرافات اخلاقی او نمودند و البته آتش جهنم را برایش آرزو کردند!

عده ای از زنان و مردان که خود را اپوزیسیون میخوانند و باید گفت که اپوزیسیون شرمنده و بعضا نادم حکومت هستند، کار او را به ضرر و زیان جنبش سبزشان قلمداد نمودند. این ها که همچنان در گیر تئوری توطئه هستند می گویند که این کار خود حکومت است که می خواهد تعطیل کردن خانه ی سینما را این طوری، توجیه نماید و به آن وجهه ی شرعی و قانونی بدهد. گروهی، این اقدام گلشیفته را یک کار روتین هنرپیشه ها و ملیست ها و مانکن ها دانسته تا از ارزش اعتراضی آن بکاهند. بعضی هم بطور کلی منکر این کار شدند و آن را یک بازی و حقه ی گرافستی در قالب فتوشاپ قلمداد کردند و گفتند که: ایشالا گریه بود! آخر مگر می شود یک

## نامه سرگشاده مینا احدی به گیدو وستر وله وزیر امور خارجه آلمان

آقای وستر وله گرامی!

از زندان رجایی شهر کرج، عصر دیروز زانیار مرادی ۲۱ ساله با من تماس تلفنی داشت و در حالی که صدایش می لرزید، به من گفت حکم اعدام من و پسر عموم لقمان مرادی ۲۶ ساله تأیید شده است و هر لحظه ممکنست ما را اعدام کنند. او از من میخواست که کاری بکنم. آخرین جمله زانیار با من که با ترس و لرز همراه بود، این جمله بود: تو باید فکر کنی من فرزند تو هستم و برای من کاری بکنی، میخوامم زنده بمانم!! امروز ۱۹ ژانویه روز تولد دختر من است و از صبح که کارم را شروع کرده ام، به این جمله زانیار فکر میکنم و در نظر دارم هر امکانی که دارم و هر کسی را که فکر میکنم توانایی تاثیر در این حکم ضد انسانی را دارد خبر کنم،

دختر ایرانی آنهم مسلمان خودش را در حضور نامحرم لخت کند؟! احاشا و کلا!

درحالی که هیچ کدام از این حرف ها پشیزی نمی ارزد. گلشیفته فراهانی، به جنبشی مدرن تعلق دارد که از زنان انقلابی ایران در فردای انقلاب ۵۷ شروع شده و در مقاومت ها ی زنان زندانی و تحقیر شده و تجاوز شده تا زنان اعدام شده، تا علیا ماجده ی مصری، تا زنان اوکراینی، تا زنانی که در اصفهان و کاشمریه آن ها تجاوز دسته جمعی شده. تا زنانی که روسری را با پونز به سرشان چسبانده بودند، تا زنانی که هر روز و هر شب به دست شوهران شان کتک می خوردند، تا زنانی که مجبورند برای یک لقمه نان خود و



تا همه باهم زانیار را نجات دهیم. از شما که در جریان دستگیری دو خبرنگار آلمانی در ایران، فعالانه برای نجات آنها تلاش کردید و از وزارت امور خارجه آلمان که اگر بخواهد میتواند کارهای زیادی انجام دهد، میخوامم که این امر را جدی تلقی کرده و برای نجات جان زانیار هر امکانی را که دارید به کار بیاورید. کمیته بین المللی علیه اعدام و من در نظر داریم که با مجموعه اقداماتی در سطح بین المللی کمک کنیم زانیار زنده بماند. از شما و وزارت امور خارجه آلمان انتظار دارم که در این مورد فوراً اقدام کنید.

با تشکر مینا احدی

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۹ ژانویه ۲۰۱۲

بچه های شان تن فروشی کنند، تا زنانی که دست به خود سوزی و خودکشی می زنند، تا زنانی که ... ختم می شود. گلشیفته با خیل عظیم این زنان در یک خط طولی است. در امتداد ظلم و ستم طبقاتی قرار می گیرد. گلشیفته همه ی این زنان است. همه ی این زنان تا کنونی است. بدون آن که همه ی زنان آینده باشد. تا این در براین پاشنه ی می چرخد هنوز ندا ها و علیا ها و گلشیفته های فراوانی باید قربانی شوند. باید این مناسبات وارونه را برانداخت تا ندا ها و علیا ها و گلشیفته و هر "جان شیفته ی" دیگری زندگی انسانی درخورشایسته ای را مزه مزه کنند.\*

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!